

عنوان :

آفازی (آنومی)

فراهم کردن منبع برای تمرینات بالینی، تحقیقات در آفازی و

همچنین تحقیقات روان - زبان شناختی

فصل اول

معیار سازی تست نامیدن در مقوله‌های اسامی و افعال

۱-۱ بیان مسئله

۱-۲ کاربردهای عمومی

۱-۳ تعریف مفاهیم

فصل دوم (مباحث نظری)

۲-۱ مقدمه

۲-۲ مدل پردازش واژگانی

۲-۳ مکانیسم‌ها

- سطح بازشناسی

- پردازش معنایی

- برونداد واژگان

۲-۴ آسیب‌ها

- سطح بازشناسی

- درونداد واژگانی

- پردازش معنایی

- برونداد واژگانی

۲-۵ کاربردهای کلینیکی مدل واژگانی

- جدول ارزیابی تکالیف واژگانی

فصل سوم (معرفی تست)

۳-۱ مقدمه

۳-۲ موارد کاربردی مجموعه

۳-۳ ساختار تست

- انتخاب گزینه

- طبقه‌بندی اطلاعات قراردادی

- شکل دستوری افعال در مجموعه
- ۳-۴ ساختار لیست‌های تطبیق داده شده.
- بسامد
- سن فراگیری
- میزان آشنایی
- شاخصهای دیگر
- قابلیت تصویر
- پیچیدگی بینایی
- ۳-۵ زیرگروه لیست‌ها
- ۳-۶ اطلاعات بدست آمده از شرکت‌کنندگان سن بدون آسیب مغزی
- ۳-۷ نحوه استفاده و اجرای این مجموعه بعنوان یک وسیله ارزیابی
- ۳-۸ فرمهای معرفی
- ۳-۹ راهنمایی‌هایی برای ارزیابی و آزمودن بیماران آفازیک
- ۳-۱۰ ارزیابی رفتارهای بیمار آفازیک

..... فصل ۴ (اجرای تست)

- ۴-۱ ساختار تست شی و عمل
- شماره آیتم
- هدف
- پاسخ اولیه
- مدت زمان ارائه پاسخ
- یادآوری
- ۴-۲ شرایط تحصیلی و سنی شرکت‌کنندگان
- ۴-۳ جداول ارزیابی
- نامیدن اسامی
- نامیدن افعال

فصل ۵ (بحث و نتیجه گیری).....

۵-۱ تهیه جدول آماری.....

۵-۲ نتیجه گیری.....

۵-۳ جداول نتایج.....

• تست نامیدن اسامی.....

• تست نامیدن افعال.....

واژه نامه.....

منابع.....

فصل ۱

۱-۱ بیان مسأله

از آن جاییکه عمومی ترین و رایج ترین عارضه و علامت در آفازی، آنومی^۱ یا نام پریش است، نیاز به یک آزمون استاندارد در این زمینه (به طور خاص) احساس می شود. از این رو هدف ما از تهیه تست مذکور، فراهم کردن منبعی برای تمرینات بالینی، تحقیقات در آفازی و همچنین تحقیقات روان - زبان شناختی^۲ می باشد. بعلاوه از آنجا که بیشتر تست های به کار برده شده در این زمینه بر نامیدن اسامی تأکید دارند، در تمرینات بالینی به نوعی نیاز به ارزیابی کاملتر شناخت فصل احساس می شود و تأکید بر طراحی در جاهایی وجود دارد که بطور خاص، نقایص فعلی را مورد توجه قرار می دهند.

۱-۲ کاربردهای مجموعه

در تحقیقات روان بازشناختی که روی افراد بزرگسال انجام می شود ممکن است از داده هایی استفاده شود که با نظام بازنمایی ذهنی اسامی و افعال^۳ در واژگان ارتباط دارند. یعنی که به کاربردن الگوهایی از قبیل: تصاویر متحرک (انیمیشن)،

1. Anomia

2. Psycholinguistic

3. Noun & verb representotion

نامیدن واژگان مکتوب، تکالیف، قضاوت واژگانی^۱، مطالعات اولیه و ... همچنین موارد هماهنگ شده در مجموعه برای مطالعات تصویربرداری مغزی^۲ در گروه بیماران آفای و افراد غیر آسیب مغزی مفید خواهد بود.

در تحقیقات بر روی بزرگسالان مبتلا به آسیب زبانی^۳، می توان از تصاویر و برچسب های کلامی نوشته شده در نامیدن تصاویر، خواندن، نوشتن دیکته و تکرار استفاده کرده که این موارد را می توان به آسانی برای استفاده به عنوان یک تست ادراکی و استفاده در تکالیف تحقیقی تصویر- کلمه^۴ تنظیم کرد.

از آن جائیکه یافته های مشابه را می توان در کیفیت های مختلف به کار برد، این مجموعه قادر به فراهم ساختن نشانه هایی است که ما را از وجود کمبود مدالیته خاص در اسامی و افعال آگاه می سازد.

در این مجموعه می توان آیتم های اسامی را براساس طبقات معنایی گروه بندی کرد، مانند حیوانات، آیتم های غذایی و مشاغل و به منظور آشکار ساختن کمبودهای نامیدن طبقات ویژه مورد استفاده قرار داد. در این مجموعه شمار زیادی از آیتم ها در رسیدن به اهداف ارزیابی بالینی مؤثر خواهند بود.

1. Lexical decision
2. Brain topography
3. Language impairment
4. Investigatory word- Picture tasks

ارزیابی درستی نامیدن تصاویر، با به کارگیری مجموعه آیتم‌ها در قبل و بعد از درمان به درمانگر اجازه خواهد داد که دقیقاً تأثیرات مداخله‌ای را اندازه‌گیری می‌کند.

در نهایت انتظار می‌رود که این اطلاعات برای رسیدن به اهداف درمانی، چه بسا مفید باشند. شمار زیاد تصاویر شی و عمل^۱، این امکان را به درمانگران می‌دهند که صورتهای فراوانی از فعالیت‌های درمانی را با استفاده از تصاویر و نامهایشان طرح‌ریزی کنند. برای مثال ممکن است از بیماران خواسته شود تصاویری را انتخاب کنند که به طریقی با یکدیگر در ارتباطند، یا تصویر یک فعل را با تصویر شیء مناسب هماهنگ کنند و یا تصاویری را برگزینند، که عنوانشان با صدای خاصی آغاز می‌شود.

۱-۳ تعریف مفاهیم

مسیرهای درونداد^۲: وسیله‌ای برای انتقال اطلاعات مورد توجه شامل: موضوعات شنیداری، کلامی، نوشتاری، بینایی و ژسچرها
مسیرهای برونداد^۳: شامل گفتار، نوشتار و ژسچرها می‌باشد.

آسیب‌های معنایی در مقوله خاص (ویژه): آشفتگی در درک یا تولید مقوله‌های معنایی انتخابی، همراه با عملکرد حفظ شده در دیگر مقوله‌ها.

1. Object & Action
2. Modalities
3. Output Modols

سیستم واژگانی^۱: مجموعه پیچیده و پراکنده‌ای از مکانیسم‌های حفظ بازنمائی برای کلمات، اسامی و افعال آشنا و نیز پردازش‌های لازم جهت کدشکنی و کدسازی محرکهای ناآشنا.

قضاوت واژگانی: تکلیفی که در آن بیمار تصمیم می‌گیرد که آیا محرک ارائه شده یک کلمه یا اسم واقعی است یا کلمه و اسم بی معنی است.

در ونداد واجی واژگان: مکانیسم ذخیره بازنمائی‌های کلمات بیانی آشنا، که قبلاً شنیده شده‌اند.

برونداد واجی واژگان: مکانیسم ذخیره بازنمائی‌های کلمات بیانی آشنا که قبلاً تولید شده‌اند.

آفازی بینایی^۲: آسیب مدالیتة ویژه بینایی در نامیدن اشیاء مشاهده شده در حضور پردازش معنایی پایه. این پردازش معنایی پایه از طریق شرح و تفصیل یا ژسچر مربوط به شیء دیده شده، که فرد در نامیدن آن ناتوان است، مشخص می‌شود.

کری خاص کلمه^۳: آسیب مدالیتة ویژه شنیداری در پردازش در ونداد گفتاری.

سیستم معنایی: مکانیسم واژگانی مسئول در ذخیره بازنمای معنایی برای ژسچرها، اسامی و کلمات آشنا.

1. Lexical System
2. Optic aphasia
3. Pure word deafness

بازنمائیهای بینایی اشیاء ۱: مکانیسم نگهداری حافظه‌ها برای اشیائی که قبلاً

مشاهده شده‌اند.

¹. Visual Object Representations

فصل ۲

۱-۲ مقدمه

در سخن گفتن، بازیابی واژگانی^۱ بعنوان یک فرآیند رقابتی^۲ عمل می کند و این امر با تعیین میزان تأثیری که بافت معنایی^۳ در نامیدن تصویر و واژه بر جای می گذارد، محقق می شود.

در تست ها و آزمونهای انجام شده در این زمینه، مشخص شده، زمانیکه طبقات معنایی آیتم ها مشابه هستند، مدت زمان نامیدن تصویر به مراتب طولانی تر از زمانی است که مضمون آیتم ها از طبقات مختلف هستند^۴. در حالیکه اگر این آیتم ها در بافت معنایی نامیده شوند، نتایج معکوسی حاصل می گردد. یعنی در بافتی که آیتم ها از طبقات مشابه هستند، نامگذاری این آیتم ها در مدت زمان کوتاهتری صورت می گیرد.

بطور کلی این یافته ها، مهر تأییدی بر این ادعا هستند که در فرآیند سخن گفتن، تأثیر مداخله ای بافت معنایی، رقابتی را در فرآیند بازیابی ورودیهای واژگانی نشان می دهد^۵.

1. Lexical retrieval
2. Competitive Precess
3. Semantic Context
4. Steward & Kroll
5. Markus F. Damian, Gabriella & Willem J.M. Levelt

روانشناسان در پرداختن به سازمانبندی حافظه واژگانی^۱، اغلب به

سازمانبندی اسامی موجود در ذهنشان تمایل بیشتری نشان می‌دهند.^۲

اساساً حوزه اسم- شیء به مطالعات حافظه واژگانی مرتبط است و صرفاً

بخش دانش واژگانی را بازنمایی می‌کند، بعبارت دیگر، با هدف بررسی

سازمانبندی معنایی، به توسعه تئوری‌ها و ابزارهایی می‌پردازد که باید به مواردی^۳

فراتر از کلمات تعمیم داده شوند.

شباهت معنایی موجود در میان کلمات، بر بسیاری از تکالیف درگیر کننده

تولید گفتار تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال هنگامیکه کلمه‌ای مخدوش کننده و به

لحاظ معنایی مرتبط وجود دارد، گویندگان در نامیدن تصویر نسبت به زمانیکه

کلمه موجود فاقد ارتباط است و کلمه نامرتب، کندتر عمل می‌کنند^۴ (به عبارت

دیگر مدت زمان نامیدن طولانی‌تر می‌شود).

زمانیکه گویندگان تصاویر را در یک بافت معنایی مشابه می‌نامند، تأثیرات

مداخله‌ای این تشابهات نسبت به زمانیکه عمل نامیدن در بافت معنایی متفاوت و

مجزائی صورت می‌گیرد، افزایش می‌یابد.^۱

بطور کلی در این زمینه اتفاق نظر وجود دارد که این تأثیرات، به ویژگیهای

فرآیند بازیابی واژگانی اشاره دارند و البته این بازیابی واژگانی به لحاظ ادراکی

1. Lexical Memory

2. Fellbaum & Miller

3. Things

4. Colaser & Dungalhoff (1984)

هدایت شده می‌باشد.^۲ در طول فرآیند بازیابی، بازنمایی واژگانی معنایی کلمه هدف به همراه دیگر بازنمایی مرتبط معنایی فعال می‌گردد. تداخل تصویر- کلمه و تأثیرات بافت معنایی به تقابل میان این بازنماییهای متفاوت اشاره دارد.^۳

در حیطه بازیابی واژگانی، دو تئوری در رابطه با کارکردهای نیمکره‌های مغزی مطرح می‌گردد. مطابق با تئوری اول یا تئوری فعال سازی، مسئله اینگونه مطرح می‌گردد که در حین بازیابی واژگانی، دیگر معانی فرعی یک کلمه نیز بازنمایی می‌گردد ولی براساس تئوری دوم یا تئوری مهار این معانی به مرحله بازیابی و کدگذاری واجی نرسیده و از تولید معانی فرعی جلوگیری بعمل می‌آید و فرد فقط معنی اصلی کلمه هدف را بیان می‌دارد.^۴

در اینجا این سؤال مطرح می‌گردد که چطور پیچیده‌ترین زمینه‌ها، نامیدن اشیاء و افعال می‌باشند؟ جواب این سؤال را بطور خلاصه می‌توان اینگونه عنوان کرد که بدلیل دشوار بودن شناسایی حوزه‌هایی مفهومی اولیه در این زمینه‌ها، نامیدن آنها نیز مشکل می‌باشد.

شعاری از تئوریهای متفاوت بازنمایی معنایی، تأثیرات مجزا و متفاوت معنایی را پیش‌بینی می‌کند.

1. Damain & Vigliocco & Levelt "2001"

2. Levelt, Roelofs & Meyer "1999"

3. Damin et al. "2001"

4. Language intervention strategies in adult aphasia

بویژه آنهایی که بازنمائیهای معنایی پراکنده و همپوشانی^۱ اصلی میان آنها را عنوان می‌کنند^۲. بعلاوه بازنمائیهای معنایی اشیاء و افعال متفاوت است. در زمینه شیء، اعضاء مقوله^۳، تأثیرات قوی و مهمی دارند. بویژه در بیماری که بطور انتخابی^۴ در مقوله‌ای از شناخت آسیب می‌بیند و یا آن را مورد غفلت قرار می‌دهند از قبیل حیوانات^۵، قسمت‌های بدن^۶ میوه‌ها و سبزیجات^۷. در این دیدگاه این احتمال وجود دارد که تأثیرات متفاوت معنایی در میان مقوله‌هایی که بطور تدریجی برانگیخته شده‌اند، مشاهده نگردد، در اینصورت باید بعنوان گروه‌های قابل جداسازی عمل شوند زیرا از دیگر زمینه‌های دانش و آگاهی مستقل می‌باشند. در مقابل احتمال بروز تأثیرات درجه‌بندی شده در میان مقوله‌هایی وجود دارد که بطور تدریجی تحریک و برانگیخته نشده‌اند. این با طرح‌های مطابق با همپوشانی اصلی (بی‌توجه به اعضاء مقوله) متفاوت است، طرح‌هایی که شباهت معنایی میان مقوله‌ها را معین می‌کنند^۸. در حوزه عمل یا فعل، مرز بین مقوله‌ها بخوبی تعریف و معین نشده است. برای توضیح چنین تفاوت‌هایی میان اشیاء و افعال در سال ۱۹۷۹ پیشنهاد شد که در حوزه اشیاء تعیین اعضای مقوله و سازمان‌بندی سلسله مراتبی مناسب، از مهمترین

1. Overlap

2. Marthin & chao (2001)

3. Category

4. Selectively

5. Caramazza & Shelton "1998"

6. Shelton, Fouch & Caramazza "1998"

7. Hart, Brendt & Caramazza a "1985"

8. Mortin & chao "2001"

اصول سازمانبندی می‌باشند. در حالیکه حوزه عمل به شیوه شبه ماتریکسی سازمانبندی شده است. افعال در این روش با نمونه‌هایی در زمینه‌های متفاوت شامل ویژگیهای عمومی (مثل قصد و تعمد)، زمینه‌های معنایی متضاد و بدون سازمانبندی سلسله مراتبی واضح، قرار می‌گیرند.^۱

در اینجا این نکته حائز اهمیت است که تفاوت معنایی با شباهت بینایی مرتبط است (بویژه در تکالیفی که در آنها از تصاویر کمک گرفته می‌شود) طبق گزارشی در سال ۲۰۰۱ مشخص شد که تفاوت‌های معنایی، بطور چشمگیری احتمال اشتباهات معنایی را پیش‌بینی می‌کنند. مثل گفتن دست به جای پا.^۲

در زمانی که شباهت بینایی میان تصاویر، برای پاسخگویی به مدل قبلی در نظر گرفته شده باشد. این شباهت‌ها بطور قابل توجهی شباهت معنایی را نشان دادند. این مسئله، شباهت بینایی که برای افعال در نظر گرفته شده است را شامل نمی‌شود. بطور کلی از تفاوت‌های معنایی میان افعال و اشیاء چنین استنباط می‌شود که هر دو زمینه، اصول سازمانبندی پایه و مشابهی را تعقیب می‌کنند ولی اساساً این موضوع به سازمانبندی مشابه در زمینه‌های افعال و اشیاء نیاز ندارد.

طبق نظریه‌ای در سال ۲۰۰۱، فضای معنایی که از ویژگیهای تولید شده توسط گوینده نتیجه می‌شود. برای افعال و اشیاء متفاوت است. بویژه در حوزه اشیاء، مقوله‌ها و مرزهای مقوله‌ای به خوبی معرفی شده‌اند. در مقابل برای افعال،

¹. Lvi, Huttenlocher

². Vinson & vigliocco "2001"

موار مقوله‌ای بخوبی جمع‌بندی نشده، به عبارت دیگر دچار از هم گسیختگی است و مرز مقوله‌ها و گروه‌های متفاوت نیز خوب تعریف نشده‌اند.^۱

با این حال این تفاوتها در نتیجه استفاده از ابزارهای متفاوت پدیدار نمی‌گردد و ماحصل، وجود تفاوت‌هایی در اصول ویژگی‌های تولید شده توسط گوینده می‌باشد. با وجود این تفاوتها، بطور عملی نشان داده شده که مقیاسهای مشتق شده از شباهت معنایی (تولید شده با استفاده از ابزارهای مشابه و یکسان در هر دو زمینه) اهمیت تأثیرات تداخل در یک تکلیف نامیدن را با موفقیت پیش‌بینی می‌کند.^۲

۲-۲ مدل پردازش واژگانی

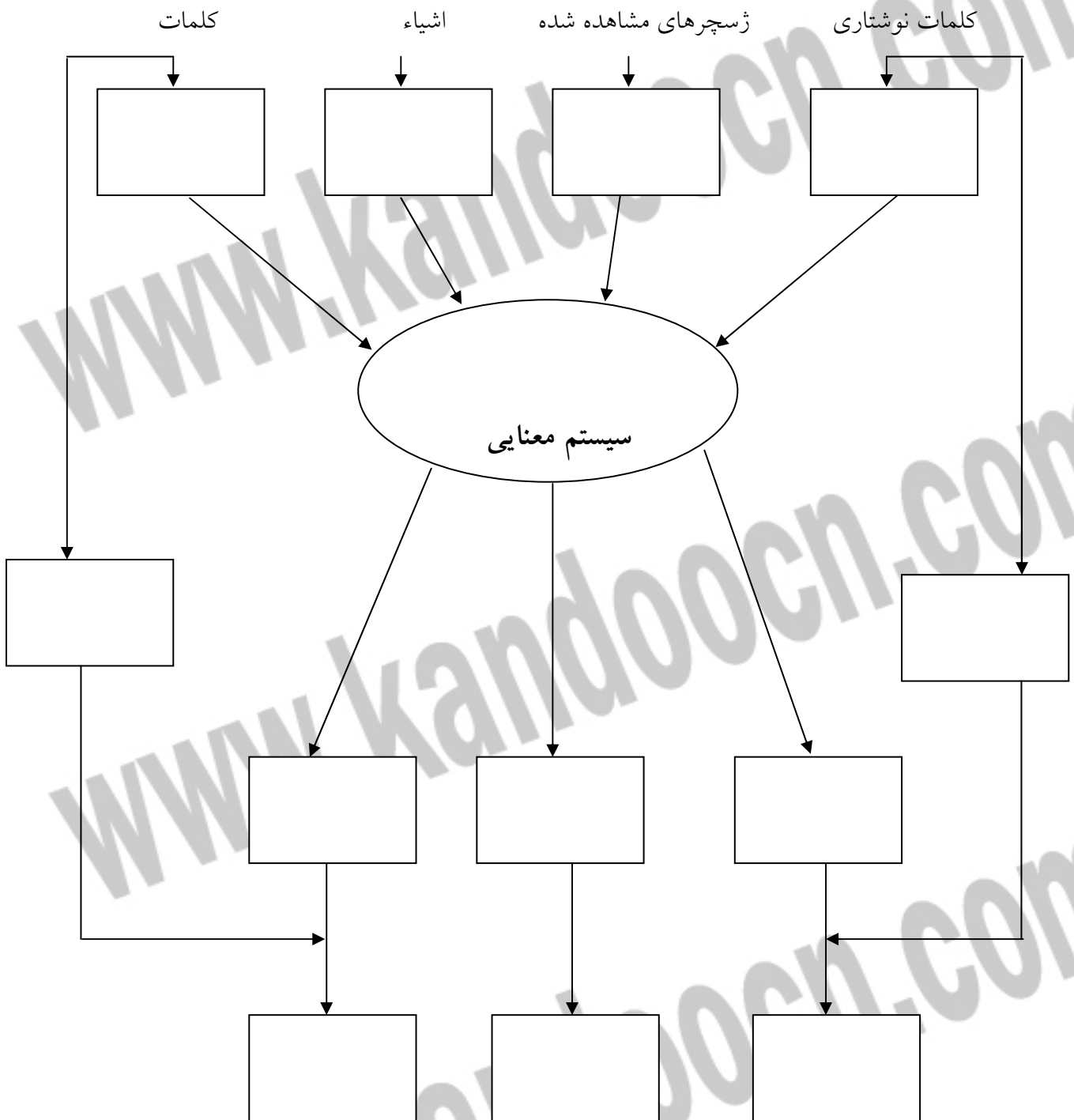
حال در این جا به یکی از مدل‌های درک و تولید کلمه یا پردازش واژگانی می‌پردازیم. بطور کلی میتوان بین بازیابی واژگانی و نامیدن تمایز قائل شد. در اینصورت، نامیدن مهارتی است که علاوه بر بازیابی واژگان، چندین فرآیند ویژه دیگر را نیز در برمی‌گیرد. پس آنومی که یکی از عمومی‌ترین علائم آفازی است نیز آسیب نامیدن نمی‌باشد، بلکه آسیب بازیابی واژه است. مدل پردازش واژگانی که در شکل ۱-۲ نشان داده شده براساس مطالعات افراد طبیعی و آسیب دیده مغزی توسعه یافته است. این مدل شامل سیستم پیچیده‌ای از بخشهای متصل و پراکنده

¹. Vinson & Uigliocco

². G. Uigliocco. et al

است که امکان پردازش انواع مختلف اطلاعات واژگانی را فراهم می کند. (شکل

۱-۲ که در زیر آمده)



متعاقب فعال‌سازی ساختارهای حسی محیطی با هر شکل از درونداد حسی^۱، مکانیسم‌های شناختی در سیستم عصبی مرکزی برای پردازش و عکسی العمل در مقابل آن درونداد راه‌اندازی می‌شوند. سپس پردازشهای حرکتی محیطی برای طرح‌ریزی و اجرای یک پاسخ در شکل گفتار، نوشتار و یا ژسچر، فرمانهایی را صادر می‌کنند.

کارایی سیستم اعصاب مرکزی با حفظ اطلاعاتی که فرد قبلاً تجربه کرده، افزایش پیدا می‌کند. تا آنجا که تجارب پردازش‌کننده بعدی، موازی با آن اطلاعات بتواند فراهم گردد^۲. بنابراین به جای اینکه یک بازنمایی جدید با هر تجربه شکل گیرد (یعنی گردآوری اطلاعات)، بازنماییهای فراهم شده قبلی در سیستم واژگانی می‌تواند از حافظه فعال شده و مجدداً به کار گرفته شود (یعنی آدرس اطلاعات)

۲-۳ مکانیسم‌ها

- سطح بازشناسی^۳

متعاقب پردازش حس اولیه، فرآیند بازشناسی محرک منجر به فعال‌سازی بازنماییهایی می‌شود که با محرک ورودی تطابق نزدیکی دارند.

^۲. Rothi (1991)

^۳. Recognition Level

- پردازش معنایی^۱

زمانیکه بازنمایی سطح بازشناسی به فعالسازی مناسب می‌رسد، در سیستم معنایی فعالیتی ایجاد می‌شود. بازنمایی‌های معنایی دربرگیرنده دانش کلی ذخیره شده‌ایست که گویندگان یک زبان^۲ به تقسیم آن، مبادرت می‌ورزند. سیستم معنایی می‌تواند از هر مسیر دروندادی کسب شود و به هر برونداد تبدیل گردد (براساس قصدی که فرد دارد). بازنمایی‌های معنایی، ظاهراً شبکه‌ای از اطلاعات مربوط به کلمات، اشیاء و عقاید را درگیر می‌کند که شامل نسبت‌های وابسته، مرتبط و هماهنگ می‌شود.

- برونداد واژگان

زمانیکه بازشناسی رخ می‌دهد و معنا، برای یک کلمه، شی یا ژسچرها فعال می‌شود، پاسخ با فعالیت برونداد واژگانی آغاز می‌شود. همانند ساختارهای سطح بازشناسی، برونداد واژگان نیز دارای مسیر ویژه^۳ می‌باشد و حافظه‌های مجزائی برای کلمات نوشتاری و گفتاری آشنا و نیز ژسچرها وجود دارد.^۴

1. Semantic Processing

3. Specific Modality

4. Roth et al. (1991-1997)

به نظر می‌رسد که تفاوت‌های گروه کلمات (اسامی و افعال) در سطح برونداد
واژگانی بازنمایی می‌گردد.

۴-۲ آسیب‌ها

- آسیب‌های سطح بازشناسی

این آسیب‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند. آسیب‌های دسته اول به
بازنمایی‌های بینائی وارد می‌شود و دسته دوم، آسیب‌هایی هستند که بر بازنمایی
شنیداری یا طبق مدل آسیب، به درونداد واجی وارد می‌گردد.

از آسیب‌های دسته نخست می‌توان به آسیب‌های وارد بر مکانیسم بازنمایی‌های
شیء مشاهده شده اشاره کرد، که بر اجرای تکالیف واژگانی که نیازمند پردازش
بینایی هستند، تأثیر خواهد گذاشت. برای مثال در آزمون کلینیکی ممکن است
بیماران در نامیدن تصاویر آسیب دیده باشند، در نتیجه این افراد در تکالیف مربوط
به جور کردن کلمه با تصویر، در آزمون درک، مشکل خواهند داشت. در مقابل،
همان بیمار ممکن است در پاسخ به دیگر دروندادهای حسی از قبیل؛ تعاریف
گفتاری، جور کردن کلمه با کلمه قادر به نامیدن باشد.

اختلال در پردازش‌های بینایی اولیه پیش از فعال سازی بازنمایی‌های شیء
دیدنی، در شکل‌گیری یک مفهوم برای شیء دیده شده دخالت می‌کند و در عین

حال ممکن است به اشکال ادراکی یا یکپارچه آگنوزی بینایی^۱ منجر گردد^۲. این بیماران که تیز حسی^۳ با ادراک بینایی مناسبی دارند ممکن است قادر به کپی کردن یک نقاشی خطی یا حتی جور کردن نقاشی های ساده نباشند. آنها معانی کوچکی از تصاویر دیده شده بدست می آورند، ولی آگاهی حفظ شده آنها از تشابه و تکامل اشیاء، این امکان را به آنها می دهد که نسبت به ویژگیهای بینایی اشیاء نامیده شده در تکالیف، قادر به پاسخگویی باشند.

اجرای مناسب تکالیف بینایی به پردازش های اولیه بینایی از قبیل: جور کردن نقاشی های خطی یا کپی کردن یک شکل وابسته می باشد. خطاهای نامیدن می تواند شامل بد ادراکی بینایی، شکست و ناتوانی در پاسخ (من نمی دانم) باشد. بیماران ممکن است در تکالیفی که نیازمند آگاهی از ساختار یک محرک بینایی است، آسیب دیده باشند، از قبیل تمییز و تشخیص اشیاء آشنا و معلوم از اشیاء مهمل (بی معنی).

پدیده ای که اغلب در حوزه آگنوزیهای شیء دیده شده درباره آن بحث می شود. آفازی بینایی می باشد، سندرمی که توسط فرنند^۴ در سال ۱۸۸۶ م شرح داده شد.

1. Apperceptive or integrative forms of visual agnosia.

2. Lissauer, 1890-1988; Riddoch & Humphreys, 1987 a; Shelton et al, 1994. Warrington & Taylor 1978.

3. Visual acuity

4. Frennd

برخی بیماران با نقص نامیدنی مواجهند که محدود به مدالیته بینایی است، مانند آگنوزی بینایی. این افراد با وجود اینکه می‌توانند عملکرد اشیاء دیده شده و گروه اشیاء را در طبقات یا مقوله‌ها توضیح دهند و یا حتی ژستچری مناسب با کاربرد شیء ارائه دهند. قادر به نامیدن آن شیء و بحث پیرامون رد معانی نامناسب با شیء دیده شده (موجود در آگنوزی بینایی) نیستند.

برخی آفازی بینایی را به آسیب دستیابی بینایی به معنا نسبت می‌دهند^۱. آنها پیشنهاد می‌کنند که آسیب نامیدن شیء به مسیر دروندادی ویژه (مثل بینایی)، اختصاص دارد، چرا که اگرچه مکانیسم‌های پردازش شیء دیده شده سالم است ولی بازنمائیهای شیء دیده شده، قادر به فعال ساختن بازنمائیهای معنایی کامل برای اشیاء مشاهده شده نمی‌باشد. به این وسیله برخی اطلاعات معنایی جهت گروهبندی مقوله‌ای و یا برای فراهم کردن یک ژسچر مناسب برای بیمار، در دسترس می‌باشد و در عین حال بازنمائیهای کامل معنایی برای نامیدن دقیق تصویر باید فعال شود.

برخی محققین، آفازی بینایی را به اختلالی نسبت می‌دهند که طی آن ابزارهای غیر معنایی درگیر در فعالسازی برونداد واجی واژگان، آسیب می‌بینند، در حالیکه بطور ثابت، مسیر پردازش بینایی به معنا سالم است^۲.

1. Hillis & caramazza "1995"

2. Davidoff & Patterson "1995"

نکته مهم در این بحث آنست که نواقص نامیدن شیء در مسیر درونداد ممکن است به درجات مختلف آسیب در مکانیسم بازنمائیهای بینایی بیانجامد. درمانگر باید دامنه کامل توانائیهای بیمار را در تکالیف کلامی و بینایی ارزیابی کند، تا از این طریق بتواند تشخیص دهد، چه جنبه‌ای از پردازش بینایی شیء در یک پاسخ بیمار متأثر شده است.^۱

- آسیب‌های درونداد واژه

تأثیر انتخابی آسیب به درونداد واجی واژگان ممکن است در تمام تکالیفی که نیازمند پردازش کلمه بیانی (شنیده شده توسط بیمار) می‌باشند، آسیبی بر جای بگذارد. که از آن جمله می‌توان به تکالیف شنیداری جور کردن کلمه با تصویر، نامیدن برای تعاریف گفته شده یا ژسچر برای دستور کلامی اشاره کرد. همین بیماران ممکن است درک مناسبی از کلمات نوشتاری نشان دهند.

بر این اساس بیمارانی با کری خالص کلمه گزارش شده است. به نظر می‌رسد که برخی بیماران، از نوعی آسیب ادراکی پیش واژگانی^۲ برخوردارند که بر پردازش واج و دیگر انواع تحریکات شنیداری تأثیر می‌گذارد.^۱ آن دسته از بیمارانی که با آفازی ورینکه تشخیص داده می‌شوند ممکن است آسیبهای مرتبط با درونداد واژگان نیز داشته باشند. این بیماران آسیب درک شنیداری مسیر درونداد ویژه داشتند. از آنجا که این بیماران درک موارد نوشته شده را حفظ کرده بودند،

^۱. Green wold "1995"

^۲. Pre- Lexical

پردازش معنایی، به نظر بدون نقص می‌آید و آسیب درک شنیداری از قرار معلوم
به مراحل واجی و پیش معنایی واژگانی پردازش، مربوط بوده.

تأکید برخی تئوریهای اولیه بر این امر بود که پردازش شکل نگارشی یک کلمه در
نتیجه فعالیت واجی رخ می‌دهد^۲، با این حال اگر وابستگی پردازش نگارشی به
پردازش واجی وجود داشته باشد، بیماران با اختلال عملکردی درونداد واجی،
ضرورتاً باید از نتیجه مستقیم آسیبهای درک خواندن برخوردار باشند.

بنابراین بیماران با آسیب انتخابی درونداد واجی، شواهد بیشتری برای
مکانیسمهای درونداد موازی و مجزای پردازش واجی و نگارشی کلمه فراهم
می‌کند.

طبق مطالعات حاصل از بیماران ورنیکه و کری خالص کلمه و ... به نظر
می‌رسد که در قسمت خلفی فوقانی کورتکس منطقه گیجگاهی چپ، یک منطقه
مهم و حیاتی برای کمک به اطلاعات درونداد واجی واژه، وجود دارد.

- آسیبهای وارد بر مکانیسمهای پردازش معنایی

بیمارانی با آسیب معنایی در اجرای تمام تکالیفی که نیازمند میانجی‌های
معنایی هستند، با مشکل مواجهند. که از آن جمله می‌توان به تکالیف درک کلمات
نوشتاری و گفتاری، تفسیر و شرح معنای اشیاء و ژسچرها و نامیدن تصاویر و
گفتن و نوشتن اشاره کرد.

¹. Buchmen et al. "1986"- Buch tel & Stwart "1989"

². Caplan "1993"

زمانیکه مکانیسم‌های زیر واژگانی تبدیل حرف به صدا، برای کدگذاری و کدشکنی کلمات نوشتاری نیز در دسترس نیستند، تکالیف خواندن شفاهی کلمه و نوشتن دیکته نیز متأثر می‌شوند. اگر طرح سیستم معنایی واحد درست باشد، عملکرد افراد آسیب دیده مغزی در عین اینکه با آسیب سیستم معنایی همراه است باید آسیبهای مشابهی نیز به لحاظ کمی و کیفی در تکالیف واژگانی نشان دهد. محققان برای اثبات این ادعا، این آسیب را در برخی بیماران با ضایعات عروقی و آسیب عصب شناختی پیشرونده شرح می‌دهند.

برای مثال بیماری بنام K.E در سال ۱۹۹۵ توسط هیلز و همکارانش شرح داده شد^۱. این بیمار در تکالیف واژگانی، نسبت مشابهی از خطاهای معنایی را نشان می‌داد، در نتیجه محققین عنوان می‌داشتند که آسیب، نوعی بد عملکردی یک مکانیسم معنایی واحد را بازنمایی می‌کند.

دیگر بیماران، آسیبهای واژگانی را نشان دادند که احتمالاً باید عملکردی سیستم معنایی در ارتباط است. اما اختلالات عملکردی، با آشفتگی مراحل درونداد یا برونداد سیستم معنایی مرتبط به نظر می‌رسد. همچنین محققین، اشخاص زبان پریشی را گزارش کردند که آسیب‌های درک و نامیدن مجزائی داشتند و در مقوله‌های معنایی ویژه، آسیب انتخابی و یا حفظ انتخابی نشان می‌دادند. این محققین، تفکیک مقوله‌های معنایی را به نوعی داده معنایی در شبکه پیچیده‌ای از

^۱. Hills & Colleagves

زیر سیستم‌ها، همراه با جریاناتی از مسیرهای درون‌داد حسی و روشهای برونداد شکل می‌گیرد^۱. نقایص مقوله‌هی ویژه پدید می‌آید. یعنی آشفتگی زیر سیستم‌های انتخابی منجر به آسیب مقوله‌های معنایی ویژه می‌شود.

برخی محققین^۲ نیز بیان می‌کردند که سیستم‌های معنایی بطور کامل جوابگوی موارد مشاهده شد، در بیماران مبتلا به مقوله ویژه نیست. آنها عنوان می‌کردند که آسیب به زیر سیستم‌های انتخابی پردازش معنایی مثل پردازش بینایی چگونه منجر به آسیب مقوله‌های مشخص مثل میوه‌ها و سبزیجات می‌شود، در عین اینکه بر سایر مقوله‌هایی که دانش بینایی، یک مختصه حیاتی آن است، تأثیری بر جای نمی‌گذارد. به بیان دقیقتر این محققین در سال ۱۹۹۸ پیشنهاد کردند که آسیبهای مقوله ویژه بدلیل ترکیب در ارتباطات تشکیل دهنده بازنمائیهای معنایی، برای اعضای یک مقوله رخ می‌دهد. اگر ویژگیهای مهم، در یک ناحیه عصبی طبقه‌بندی شود که بواسطه اختلال عصبی آسیب دیده است، هر مفهومی که شامل آن ویژگیها در بازنمائیهای معنایی خود باشد، تأثیر خواهد پذیرفت. ولی تئوری زیر سیستم‌های معنایی، به خوبی جوابگوی بیمارانی که در نتیجه آسیب پردازش معنایی، آسیبهای تعمیم یافته‌تری در مقوله‌ها داشتند، نبود. در این موارد، فرض وجود سیستم معنایی واحد که اطلاعات را برای تمامی مسیرهای درون‌داد و روش‌های برونداد پردازش می‌کند، حساب شده‌تر به نظر می‌رسد.

^۱. Allport 1985, Saffran 1997

^۲. Caramazza 1994, Shelton 1998

در نهایت، یافته‌های حاصل از مطالعات ضایعات عصبی بر این اصل تأکید دارند که نواحی تالاموسی و نواحی خلفی اکسی پیتال- بریتال- تمپورال چپ^۲ در بازنمایی عصبی مکانیسم‌های معنایی، نقشی حیاتی ایفاء می‌کنند.

- آسیب در مکانیسم‌های برونداد وازگانی

در مواردیکه اختلال عملکرد با برونداد واجی واژه مرتبط است، این احتمال وجود دارد که بیمار در تمام تکالیف کلامی وابسته به یکپارچگی بازنماییهای واجی، آسیب ببیند. در نتیجه بیماران در تمام تکالیف نامیدن شفاهی با مشکل مواجه خواهند بود (نامیدن تصویر، نامیدن برای تعاریف). حتی ممکن است در خواندن شفاهی بویژه در کلمات بی‌قاعده (استثناء) نیز مشکل داشته باشد. پردازش‌های زیر وازگانی نیز برای هدایت دقیق تلفظ‌های این کلمات نامناسب می‌باشد.

خطاهای تولید ممکن است به اشکال مختلفی چون خطاهای معنایی، پارافازیهای واجی و نئولوژی ظاهر شود. تنوع در شکل خطاهای کلامی، آسیبهای مختلفی را بازنمایی می‌کند که می‌تواند در یک مرحله از پردازش برونداد واجی واژه رخ دهد. برخی افراد در فعالسازی برونداد واژه با مشکلات بیشتری مواجهند که به پاسخ‌های اشتباه یا خطاهای معنایی می‌انجامد. دیگران ممکن است یک آشفتگی اختلال مؤثر بر ساختار درونی داشته باشند که منجر به پاسخهای نئولوژی

1. Caramazza "1994"

2. Left Posterior temporal- occipital

(واژه پردازی) شود^۱، یا پردازش های واجی Post-Lexical که منجر به پارامازیهای واجی می گردد.

محققین با مشاهده از هم گسیختگی ارتباط واژگانی در بیماران آسیب دیده مغزی به ویژگیهای اصلی ساختار سیستم واژگانی پی بردند. به عنوان مثال برخی بیماران، با آسیبهای انتخابی در برونداد واجی مواجهند در مقابل عملکرد تولید کلمات نوشتاری حفظ شده است. یک ارتباط گسیختگی از این گروه تمایزی میان برونداد نوشتاری و برونداد واجی واژگان ایجاد می کند که برونداد نوشتاری در برخی بیماران با آسیب های برونداد واجی، سالم باقی می ماند.

با این حال معمولاً آسیب عصب شناختی بر مکانیسم های چندگانه واژگان تأثیر می گذارد. بنابراین بیماران ممکن است در تکالیف واژگانی متنوعی آسیب ببینند (به عنوان مثال آسیبهای دوگانه برونداد نوشتاری و کلامی و یا آسیبهای دوگانه درونداد و برونداد واجی و ...)

طبق مطالعاتی که در سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ توسط Hillis و Caramazza

صورت گرفت، پیشنهاد شد که از هم گسیختگی موجود در میان طبقات دستوری (اسم و فعل) در بیماران به برونداد خاصی باز می گردد که در سطح برونداد واژگان بازنمایی می شود.

^۱. Kohn "1996"

به نظر می‌رسد نواحی مجزای عصبی با آسیبهایی در ارتباط است که به
برونداد واجی واژگان تأثیر می‌گذارد. بویژه محققین نوعاً آسیبهای بازیابی اسم را
برای بیمارانی با آفازی روان و آسیبهای کرتکس خلفی پری سیلوین چپ در نظر
گرفتند که شامل نواحی تمپورال می‌گردید.^۱
در مقابل، آسیبهای بازنمائی فعل با آفازیهای ناروان و ضایعات فرونتال
چپ ارتباط داشتند.

بطور کلی از طریق مکانیسم‌های سیستم واژگانی، راهی به یک سیستم
معنایی بازمی‌گردد و در نتیجه تعامل این مکانیسم با سیستم معنایی، معنای کلمه
برای برونداد و درونداد واژگانی فراهم می‌گردد. بعلاوه نواحی مجزای مغزی
در بازنمائیهای دانش واژگانی درگیر می‌شوند. بطور کلی در فرآیند بازنمائی دانش
واژگانی، نیمکره چپ نقش اصلی را بر عهده دارد در عین حال نیمکره راست
می‌تواند در جنبه‌های اصلی پردازش معنایی واژگان همکاری و مشارکت داشته
باشد.^۲

۲-۵ کاربردهای کلینیکی مدل واژگانی

این مدل با هدف بررسی مفاهیم رویکرد عصب روانشناختی، چارچوبی
برای پردازش کلینیکی تدارک می‌بیند. این چارچوب مفاهیم واضحی در بعد
ارزیابی واژگان دارد.

^۱. Damasio & Tranel 1993 Mizzo 1994

^۲. Joonette & Goulet 1998

در عصب روانشناسی شناخت^۱، هدف ارزیابی، مشخص کردن آسیب‌های زبانی بیماران با رعایت یک مدل شناختی می‌باشد. در واقع مدل پردازش واژگانی مبنایی برای بحث دربارهٔ آسیب‌هایی است که بطور ویژه‌ای به درک کلمه بیانی و تولید آن مرتبط می‌باشد. براساس این ارزیابی‌ها، درمانگران، آسیب‌های مربوط به مکانیسم واژگانی را که در الگوی عملکرد آسیب دیده و سالم دخالت دارند شرح خواهند داد.

در یک ارزیابی که با هدف شناسایی آسیب‌های سیستم واژگانی شکل گرفته، هدف اصلی مقایسهٔ مسیرهای درون‌داد و روش‌های برون‌داد می‌باشد.

ارزیابی واژگانی باید شامل تنوعی از تکالیف پردازش تک کلمات باشد که طی آن درمانگران بطور منظمی مسیرهای درون‌داد و روش‌های برون‌داد را تغییر دهند و الگوهای عملکرد و اجرای تکالیف را تحلیل کنند. ارزیابی واژگانی (جدول ۱-۲) نوعاً شامل تکالیف اصلی خواهد بود. از قبیل نامیدن شفاهی تصاویر، نامیدن نوشتاری تصاویر، نامیدن برای شرح گفتاری، خواندن شفاهی کلمه، نوشتن دیکته، درک شنیداری کلمه و درک کلمه نوشته شده.

^۱. Cognitive neuropsychology

تکالیف واژگانی در ارزیابی (جدول ۱-۲)

تکالیف درونداد	تکالیف برونداد
تطبیق کلمه شنیداری با تصویر	نامیدن شفاهی تصویر- نامیدن نوشتاری تصویر
تطبیق کلمه نوشتاری با تصویر	نامیدن شفاهی برای تعاریف گفته شده
تأثیر کلمه شنیداری - تصویر	نامیدن نوشتاری برای تعاریف گفته شده
تأثیر کلمه نوشتاری - تصویر	خواندن شفاهی کلمه
جور کردن ارتباطات معنایی	نوشتن دیکته
قضاوت واژه شنیداری	بازنمایی نام براساس لمس شیء
قضاوت واژه نوشتاری	نامیدن با صداهای محیطی
دسته بندی مقوله ای	ژسچر اشیاء مشاهده شده

فصل ۳

۳-۱ مقدمه

هدف ما از تهیه این تست، فراهم کردن منبعی برای تمرینات کلینیکی، تحقیقات در زمینه آفازی و همچنین تحقیقات روان - زمان شناختی بود. در تمرینات بالینی به نوعی، نیاز به ارزیابی کاملتر شناخت فعل احساس می شود و تأکید بر طراحی درمانهایی وجود دارد که به طور خاص نقائص فعلی را مورد توجه قرار می دهند.

در حال حاضر شمار تحقیقاتی که به پردازش فعل و تفاوت های پردازشی موجود میان افعال و اسامی می پردازند، رو به افزایش است. این تحقیق در میان شرکت کننده های بزرگسال طبیعی، کودکان طبیعی و کودکان با آسیب های زباین خاص و بیماران آفازیک اجرا شده است. تا به امروز در حوزه نامیدن اسامی مطالعات زیادی صورت گرفته و در حال حاضر ما نسبت به عوامل تعیین کننده در دسترسی به آنها، شناخت کافی داریم. انگیزه شکل گیری این تست نیز از این حقیقت ناشی می شود که شناخت ما نسبت به عوامل تعیین کننده در دسترس به افعال کم است.

محققان و درمانگران از مجموع تصاویر موضوعی که توسط Sondgrass و Vonder wort در سال ۱۹۸۰ تهیه شده است، به دفعات استفاده کرده‌اند. در این مجموعه محققین با یافته‌هایی سر و کار دارند که با یافته‌های موجود در آزمایشگاههای مختلف و حتی در میان کشورها قابل مقایسه است و این مزیت این تست محسوب می‌شود.

توصیف و نمایش افعال در تصاویر ثابت یا نقاشی‌های خطی^۱، از نمایش اسامی مشکلتر است. بنابراین این فرض که به جای نقاشی‌های خطی بهتر است اقداماتی در قالب تصاویر متحرک انجام دهیم، مطرح شده است. با این وجود Berndt و Mitchum و Haendiges عملکرد نامیدن شیء و عمل بیماران آفازی را در مواجهه با نقاشی‌های خطی و تصاویر متحرکی که به روی نوار ویدئو ایجاد شده بودند، مقایسه کردند. آنها با مقایسه عملکرد نامیدن در مواجهه با دو شیوه اجرا شده مذکور به هیچ تفاوتی دست نیافتند.

از آن جا که معتقدیم کاربرد این قالب بازنمایی در بسیاری از جلسات تحقیقی و کلینیکی آسانتر است، بر آن شدیم تا مجموعه‌ای از تصاویر شیء و عمل را که با هم جور شده‌اند، تهیه کنیم. علیرغم این حقیقت، حتی در حوزه افعالی که ممکن است به طور واضح (غیر دو پهلو) توصیف نشوند، با پاره‌ای از محدودیت‌ها مواجهیم.

^۱. Line drawings

بعنوان مثال نمایش افعال ارتباطی در قالب نقاشی های خطی کار مشکلی

است (افعالی چون give (دادن) - buy (خریدن) - sell (فروختن)).

در این مجموعه، تصاویر شیء و عمل بر پایه متغیرهای روان - زبانشناختی

تدارک دیده شده بودند که از آن جمله می توان به فراوانی لغت مکتوب^۱، سن

فراگیری ارزیابی شده و میزان آشنائیت^۲ برچسب های کلامی تصاویر اشاره کرد.

بعلاوه ما اطلاعاتی در زمینه طول هجا و واج و ارزیابی های در زمینه توانایی

تجسم^۳ برچسب های کلامی تصاویر و میزان پیچیدگی بینایی تصاویر فراهم

می کنیم. به نظر می رسد که این متغیرها پیش آگهی دهنده های مهمی در فرآیند

نامیدن باشند.

۲-۳ موارد کاربردی مجموعه

در تحقیقات روان - زبانشناختی که روی افراد بزرگسال انجام می شود،

ممکن است داده هایی به کار گرفته شود که با نظام بازنمایی ذهنی اسامی و افعال

در واژگان ارتباط دارند. بعبارتی از الگوهای چون تصاویر متحرک، نامیدن واژگان

مکتوب، تکالیف قضاوت واژگانی، مطالعات اولیه و غیره استفاده می شود. همچنین

موارد هماهنگ شده در مجموعه برای مطالعات تصویر برداری مغزی^۴ در هر گروه

بیماران آفازی و افراد بدون آسیب مغزی مفید خواهد بود. در تحقیقی که بر روی

1. Printed word

2. Familiarity

3. Imageability

4. Brain- imaging studies

بالغین مبتلا به آسیب زبانی انجام می شود می توان از تصاویر و برچسب های کلامی مکتوب در نامیدن تصاویر، خواندن، نوشتن دیکته و تکرار استفاده کرد. این موارد به آسانی برای استفاده بعنوان یک تست ادراکی و همچنین در تکالیف تحقیقی تصویر- کلمه تطبیق می یابند.

از آن جاییکه امکان استفاده از داده های یکسان در مدالیت های مختلف وجود دارد، این مجموعه قادر خواهد بود تا نشانه ای از وجود کمبودهای مدالیت خاص در اسامی و افعال را فراهم سازد.

در این مجموعه می توان آیتم های اسامی را در طبقات معنایی از قبیل حیوانات، آیتم های غذایی و مشاغل گروه بندی کرد و بمنظور آشکار ساختن نقایص در نامیدن طبقات ویژه مورد استفاده قرار داد. شمار زیادی از آیتم های موجود در این مجموعه در جهت رسیدن به اهداف ارزیابی بالینی مؤثر خواهند بود. برای مثال تصاویر اسامی و افعال ممکن است به مجموعه ای از آیتم ها تقسیم شوند که برخی از آنها معرفی شده و برخی معرفی نمی شوند.

ارزیابی درستی نامیدن تصاویر، قبل و بعد از درمان با استفاده از مجموعه های معرفی شده و نشده به پزشک اجازه خواهد داد که دقیقاً تأثیرات مداخله ای را اندازه گیری کند.

در نهایت انتظار می رود که این اطلاعات برای رسیدن به اهداف درمانی چه بسا مفید باشند. شمار زیادی از تصاویر شیء و عمل این امکان را به درمانگران

می‌دهند که با بکارگیری آنها (تصاویر و نامهایشان) صورتهای فراوانی از فعالیت‌های درمانی طرح ریزی می‌کنند. برای مثال ممکن است از بیماران خواسته شود تصاویری را که به طریقی با یکدیگر در ارتباطند، انتخاب کنند یا تصویر یک فعل را با تصویر مناسب شیء هماهنگ کنند یا تصویری را که عنوانش با صدای خاصی آغاز می‌شود انتخاب کنند.

۳-۳ ساختار تست

- انتخاب گزینه

در شروع، ما ۱۴۶ فعل تصویری را که توسط یک نقاش ترسیم شده بودند، برگزیدیم. آن دسته از افعالی که احتمال می‌رفت در تصاویر بطور واضح نمایش داده شوند، در این مجموعه حذف شدند. ما طرحهایی داشتیم که برگرفته از ۲۷۳ برچسب اسمی بود. در طول مرحله طبقه‌بندی اطلاعات قراردادی نامیدن، زمانیکه پاسخ‌های آگاهی دهنده، مبهم بودن تصاویر و یا به عبارتی ناکافی بودن آنها را نشان می‌دادند، تصاویر مجدداً ترسیم می‌شدند. برای مثال تصویر کمر بند - پاسخ قلاذه را از میان داده‌های مختلف برمی‌انگیخت مگر زمانیکه طراحی آن به شکلی که بدن انسان را دربرگیرد، صورت می‌گرفت. این بدین معناست که اطلاعات توافقی نامیدن در مورد آیتم‌های خاص بیش از یکبار طبقه‌بندی شده‌اند.

علاوه بر این با وجود انبوهی از هم‌آوارها^۱ و هم‌نویس‌ها^۲ در زبان انگلیسی، انتخاب آیتم‌های شیء و عمل از میان این تست، با محدودیت بیشتری مواجه بود.

منابع ناشناخته‌ای از ابهام^۳ خصوصاً در مقوله‌های سن یادگیری، شناخت^۴ و تکالیف ارزیابی تصویری وجود دارد که بعداً توضیح داده می‌شود و در میان آنها تنها برچسب‌های کلامی مکتوب برای شرکت‌کننده‌ها ارائه می‌شود.

ما منابع دیگری از ابهام را یافتیم:

۱- آیتم‌های واژگانی زیادی وجود دارد که در هر دو جایگاه اسم و فعل قابل استفاده هستند، برای مثال (water, bridge, brush, comb). بمنظور جلوگیری از هرگونه ابهام در افعال، در تمامی تکالیف ارزیابی، از شکل مصدری فعل استفاده می‌کنیم.

۲- در زبان انگلیسی هم‌نویس‌هایی دیده می‌شود که در یک مقوله دستوری، دو معنای بی‌ارتباط دارند. برای مثال dummy و torow این موارد باید از تست کنار گذاشته شوند.

۳- لغات زیادی وجود دارند که بیش از یک تفاوت با هم دارند، با این حال مرتبط هستند. (برای مثال معانی to drive, to draw, iron, pipe, plug,

1. Homonyms
2. Homographs
3. Amiguity
4. Familiarity

(stamp) این موضوع در انگلیس و حتی در دیگر زبانها فرآیند گسترده‌ایست و بنابراین در کلیه تکالیفی که ارزیابی لغات را در برمی‌گیرند عامل مغشوش‌کننده محسوب می‌گردد و همچنین محققان هیچ کنترلی روی ارزیابی خاص اجزاء معنایی ندارند. ما فرض را بر این نهادیم که شرکت‌کننده‌ها در ارزیابی‌هایشان از شاخص‌ترین و متداولترین معنای هر لغت استفاده خواهند کرد. این همان چیزی است که برای هر یک از خوانندگان فرهنگ آکسفورد، در ابتدا ثبت شده است. همراه با ۱۲ مورد از اسامی مورد نظر ما (برای مثال pipe, iron, letter, cork) و ۳ مورد از افعال (drop, drive, drow) معنای اصلی با تصویری نمایش داده می‌شود که کم‌بسامدترین معنای لغت را در خود دارد.

۴- افعال زیادی در زبان انگلیسی از دو ساختار^۱ استدلالی^۲ متفاوت برخوردارند و از این رو دو معنای مختلف را نیز دارا می‌باشند که در خارج از بافت، از یکدیگر غیر قابل تشخیصند. علاوه بر این، آن یک حقیقت اجتناب‌ناپذیری است که در زبان انگلیسی بوقوع پیوسته و زمانیکه این افعال خارج از متن مورد مطالعه قرار می‌گیرند، باید در نظر گرفته شود. فعل to water دو معنای متفاوت را در عبارات The boy watered the garden و My eyes watered دارا است. در جمله اول water دو استدلال دارد (عامل^۳ و مضمون^۴) در جمله

1. Structure
2. Argument
3. Agent
4. Theme

دوم water تنها یک استدلال دارد (مضمون). فعل نخست متعدی^۱ است و دومی یک فعل بدون مفعول^۲ است. از جمله کلمات دیگر مانند آن می توان به Stop, bend, open, bounce, fold, Tickle, Juggle و Melt اشاره کرد.

امکان حذف کامل کلمات مبهم از تست وجود نداشت. چرا که آنها انتخاب آیتم ها را به شدت محدود کرده بودند. با این حال ما به کنترل معانی نیازمند بودیم که افراد این معانی را در تکالیف ارزیابی به آیتم های مبهم نسبت می دادند. به منظور رسیدن به این هدف تکلیف ساختن جمله را بنا نهادیم که از لیستی شامل ۱۲ اسم نامعین و ۲۸ فعل که بطور متوالی در اشکال متعدی و لازم و اشکال متعدی و فقط لازم^۳ جانشین می گردند، تشکیل می گردید.

ما از ۲۲ گوینده بومی انگلیسی زبان خواستیم تا جمله ای بسازند که در برگیرنده کلمات هدف باشد. در این جملات کلمات هدف با معنی متفاوت از آنچه در تست توصیف شده، به کار برده شدند. بعنوان مثال جمله The tank was filled with water با کلمه هدف tank ارائه شده بود، در حالیکه توضیح tank شامل تصویر یک خودروی نظامی است و جمله The car has to stop at the redlight (فقط لازم) با کلمه هدف stop ارائه شد در حالیکه توضیح کلمه stop پلیس در حال نگهداشتن ماشین بود (متعدی).

1. Transitive
2. Unaccusative
3. Unergative

اگر بیش از ۲۵٪ از پاسخ دهندگان جملاتی تولید می‌کردند که بر معنایی متفاوت از آنچه که در مجموعه مدنظر بود دلالت داشت. آنها را آیتم‌های نامعین در نظر می‌گرفتیم.

۱۴ آیتم این چنین وجود داشت که شامل موارد زیر می‌شود.

Pipe- pluy- tank- weight- tosmoke- to Juggle- to bounce- to ring
to bend- to lean- to swing- to stop.

در این موارد ارزیابی سن یادگیری، شناخت و توانایی تصور معتبر نمی‌باشد.

- طبقه‌بندی اطلاعات قراردادی

ما بر آن بودیم که برای تصاویر شیء و عمل به درجه بالایی از تطابق نامیدن دست یابیم. این موضوع ضروری به نظر می‌رسید. زیرا یکی از اهداف ما بدست آوردن تطابق دقیق تصاویر شیء و عمل در سن فراگیری، آشنایی و تکرار کلمه در ۳ لیست بود. بعبارتی این مجموعه می‌تواند با هدف نمایش تفاوت‌های معتبر پردازش اسم- فعل و همچنین تعیین فاکتورهای مؤثر بر قابلیت دسترسی به افعال و اسامی، مورد استفاده قرار بگیرد.

اگر شرکت کنندگان برای تصاویر از برچسب‌های متفاوتی^۱ استفاده

می‌کردند (هر چند صحیح) در این صورت تطابق از اعتبار می‌افتاد.

^۱. Alternative

دلیل دومی که سازگاری این معیار را توجیه می‌کند میزان تطابق نامیدنی بود که با هدف تأثیرگذاری به سرعت نامیدن در تجارب روانی زبان نشان داده می‌شد.

بنابراین کنترل تأثیرات متغیر بر مجموعه اسامی و افعال را مهم عنوان کردیم. این کنترل با حذف تصاویری صورت گرفت که مترادف‌ها را از مجموعه اطلاعات قراردادی نامیدن استدلال و استخراج می‌کرد. (تصویر to clap به این دلیل حذف شد که هر دو معنای clapping و applauding را استخراج می‌کرد).

اطلاعات قراردادی نامیدن با هدف نامیدن تصاویر با استفاده از یک کلمه از

۴۰ شرکت کننده بزرگسال بدست آمد. شرکت کنندگان (۱۲ مرد و ۲۸ زن) همگی انگلیسی را بعنوان زبان اولشان داشتند. سن آنها بین سنین ۲۲-۴۸ مرتب شده بود (میانگین ۳۴ سال). تصاویر شیء و عمل در دو مجموعه مجزا و با دو دستور العمل متفاوت برای نامیدن موجود بود. در مورد تصاویر اشیاء پرسیده می‌شد: آیا شما می‌توانید بگویید این چه چیزی است؟ در مورد تصاویر افعال نیز پرسیده می‌شد؛ آیا شما می‌توانید به من بگویید چه اتفاقی در اینجا رخ داده یا او/ آن چه کاری انجام می‌دهد؟

دلیل این کار آن بود که اگرچه بیشتر تصاویر به طور واضحی یک شیء یا عمل را شرح می‌دهند، در مورد برخی تصاویر این تمایز واضح و آشکار نبود (برای مثال To bounce, ball و bird - To snow, snow). پاسخ‌های هدف،

خود اصلاحی‌های یادآوری نشده (برانگیخته نشده) و ترکیباتی که شامل کلمه هدف می‌شوند (آشپزخانه پرند به جای آشپزخانه) به عنوان پاسخ صحیح پذیرفته شد. (با اینحال بعداً در پاسخ‌های غیر هدف در ضمیمه ۲ لیست شده‌اند). ۷۲٪ از اسامی و ۶۲٪ از افعال ۱۰۰٪ پاسخ‌های هدف را فراهم کردند. مابقی آیتم‌ها حداقل در ۹۳٪ تطابق نامیدن بدست آوردند.

- شکل دستوری افعال در مجموعه

افعال بعنوان یک طبقه دستوری همگن^۱ نمی‌باشند. ماهیت فعل است که تعداد و نوع عبارات اسمی را که می‌تواند یا باید دریافت آن فعل خاص بکار رود، مشخص می‌کند. در اینجا به دو نوع از تفاوت‌های میان انواع فعلها اشاره می‌کنیم. اولین وجه متمایز به معنا مرتبط می‌گردد و دومی به درک ساختار (نحو)^۲. این دو سطح تفاوت بی‌ارتباط نیستند. با این همه آنها همانگونه که به جنبه‌های متفاوت دستور اشاره می‌کنند و کاملاً شبیه نیستند، باید جداگانه به آنها پرداخته شود.

افعال بر حسب معنا و تعداد و نوع استدلالی که نیاز دارند، متمایز می‌شوند (نقش‌های موضوعی) برای مثال فعل kick (لگد زدن) دو استدلال دارد: یک عامل و یک مضمون.

فعل give (دادن) سه استدلال دارد: یک عامل، یک مضمون و یک گیرنده.

1. Homogeneous

2. Syntactic

فعل Love (دوست داشتن) دو استدلال دارد: یک تجربه کننده و یک موضوع (مضمون).

فعل appear (بنظر رسیدن) یک استدلال مضمونی دارد.

از طریق ساختار به این امر واقف می شویم که چگونه استدلالهای فعل در جملات درک می شوند. دستور سنتی^۱ میان افعال متعدی، لازم و متعدی دو مفعوله^۲ تفاوت قائل می شود.

یک فعل لازم با عبارت اسمی ادامه پیدا نمی کند. (برای مثال جان خوب خوابید).

یک فعل متعدی باید توسط یک عبارت اسمی ادامه داده شود (ماری شانه کرد موهایش را) و یک فعل متعدی دو مفعوله باید با دو عبارت اسمی همراه شود (جان داد هب مری یک کتاب)، در میزان قابلیت دسترسی به افعالی که از ادراکات ساختاری متفاوتی برخوردارند، تفاوتی دیده می شود که اخیراً توجهاتی نیز به سوی خود معطوف داشته است.

بویژه، عنوان شده که افعال متعدی آسانتر یاد گرفته می شوند و اینکه برخی از بیماران آفازی در تولید افعال متعدی در مقایسه با افعال لازم بهتر عمل می کنند. و دلیل آنکه ما اطلاعاتی در مورد درک ساختاری برچسبهای عملکردی در ضمیمه^۳ آزمون فراهم کردیم نیز همین موضوع می باشد. همانطوریکه از ضمیمه^۳

1. Traditional
2. ditransitive

برداشت می شود، طبقه بندی که ما در مقوله درک ساختاری افعال انجام دادیم
بمراتب پیچیده تر از نوع سستی آن است و اغلب برای یک فعل خاص بیش از یک
درک ساختاری در نظر می گیریم، این پیچیدگی، طبقه افعال را نیز درگیر می کند. این
طبقه دربرگیرنده دو نوع شخص و متفاوت از افعال است (Unaccosative, Unergative).

در بافتهای ساختاری مشابه هر دو نوع فعل بدون مکمل گروه اسمی ظاهر
می شوند. مانند پسر در حال گریه کردن (cry) است. سربازان در حال رژه رفتن
(March) هستند. شیر آب در حال چکیدن (drip) است. بستنی در حال آب شدن
(melt) است.

تفاوتهای موجود بین دو جمله اول و دو جمله دوم را در قالب معنایی
می توان اینگونه عنوان کرد که در جمله اول، فاعل ها عامل می باشند و در جملات
بعدی آنها مضمون هستند. March, cry افعال فقط لازم (Unergative) و drip و
Melt افعال غیرمفعولی نامیده می شوند. افعال Unergative از یک استدلال عامل و
یا تجربه گر برخوردارند و افعال غیرمفعولی (Unaccusative) یک استدلال
مضمونی دارند.

Burzia در سال ۱۹۸۶ عنوان کرد که هر دو نوع فعل در سطح پایه نیز به
لحاظ ساختاری متفاوتند. در حالیکه ساختار پایه فعل Unergative شباهت زیادی
به اشکال ظاهری (سطحی) آن دارد. فاعل گروه اسمی یک فعل غیرمفعولی از

موقعیت اصلی تغییر مکان می یابد (مفعول که بعد از فعل بوده به قبل فعل حرکت می کند و فاعل می شود). بدلیل وقوع این جابه جایی در افعال غیرمفعولی احتمال می رود که این افعال برای افراد آفازی (البته برخی افراد) بطور ویژه ای سخت باشد و بدین طریق مشخص می شود که تمایز بین افعال غیرمفعولی و Unergative از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

ستون اول در ضمیمه ۳ ادراک ساختاری برچسب کلای را فراهم می کند که به طور مناسبی تصویر آزمون را شرح می دهد. برای مثال برچسب های بوسیدن در یک تصویر، که در آن دختری، پسری را می بوسد و در نتیجه بعنوان یک فعل متعدی طبقه بندی می شود، با این وجود بوسیدن ممکن است بعنوان یک فعل Unergative نیز ظاهر شود، مانند پسر و دختر در حال بوسیدن هستند. در ستونهای دوم و سوم ضمیمه ۳ ادراکات جانشینی ظاهر می شوند. آگاهی از ادراکات جانشینی مهم می باشد.

بعنوان یک مسئله در علم اصول، زمانیکه آیتم های فعل به شکل واژگانی بدون تصویر ظاهر می شوند، (برای مثال در یک تکلیف خواندن) محققین هیچ کنترلی روی تفسیری که شرکت کننده ها به فعل نسبت می دهند، ندارند. از این گذشته پیشنهاد شده هر زمان که فعلی بیان می شود کلیه ادراکات ساختاری ناشناخته متناوب فعال می گردند. این ادراکات حتی در تکالیف نامیدن تصویر، جائیکه تصویر، توضیح و تفسیر را محدود می سازد ممکن است فعال گردند. اگر

این فرض درست باشد یافته‌های ابتدایی را برای سؤال فراهم می‌کند که به تفاوت‌های موجود در قابلیت دسترسی به افعالی با ادراکات ساختاری مختلف می‌پردازند. در درک ساختاری افعال، ما صرفاً و اجباراً، استدلال‌های (دلایل) عبارت اسمی را مد نظر قرار دادیم و هیچ مکمل عبارات حرف اضافه‌ای را در نظر نگرفتیم. بنابراین بعنوان مثال خواب دیدن و تکیه دادن در گروه افعال Unergative طبقه‌بندی می‌شوند که صرفاً در جملات «جان خواب دید درباره مری و جان تکیه داد به مری» مکمل گروه حرف اضافه‌ای در نظر گرفته نمی‌شود.

شرایط متفاوتی که مکمل‌های گروه حرف اضافه‌ای و مباحث گروه اسمی نسبت به یکدیگر دارند منجر به این امر می‌شود که در تئوری زبانی هیچ موافقت کلی درباره آنها وجود نداشته باشد.

Pinkel در سال ۱۹۸۹ به نظریه Zabizarro اشاره می‌کند که در آن عنوان می‌شود که مباحث گروه اسمی از مباحث مستقیم (بی‌واسطه) هستند، در حالیکه مکمل‌های گروه حرف اضافه‌ای غیر مستقیم یا مایل می‌باشند. این تفاوت مهم ضمن اشاره به این نکته که افعال نقش‌های theta را به مباحث گروه اسمی اختصاص می‌دهند، نشان می‌دهد نوعی ارتباط پیچیده میان فعل و مکمل آن وجود دارد و مباحث گروه حرف اضافه‌ای تا حدی از فعل دور می‌باشند و نقش‌های theta بی آنها توسط حرف اضافه تعیین می‌شود.

در طبقه‌بندی ما شمار اندکی از افعال (باران باریدن، برف باریدن) بعنوان افعال آب و هوایی شناخته می‌شوند. در قالبهای ساختاری این افعال بواسطه نداشتن مباحث خارجی (موضوع) از سایر افعال متمایز می‌شوند. موقعیت و موضوع این افعال با حرف اضافه آن تعیین می‌شود و نهایتاً اینکه در انگلیسی افعال زیادی وجود دارند که می‌توانند بعنوان فعل متعدی و یا لارم بکار برده شوند که از آن جمله می‌توان به (eat, knit, Juggle) اشاره کرد.

زمانیکه ما احساس کردیم تصویر، دو مطلب خواندنی را از هم تمییز نمی‌دهد، آنرا با درج میان دو نتیجه ساختاری ممکن در ضمیمه ۳ مشخص کردیم.

۳-۴ ساختار لیست‌های تطبیق داده شده

در مجموعه پایانی ما از ۱۰۰ فعل و ۱۶۲ اسم با هدف ایجاد ۳ لیست جداگانه استفاده کردیم. این لیست‌ها برای مقوله‌های بسامد^۱، شناخت^۲ و سن فراگیری تطبیق داده شده بودند.

مجموعه افعال در هر ۳ لیست یکسان می‌باشند، در حالیکه برخی از تصاویر اسمی، فقط در یکی از لیستهای تطبیق داده شده دیده می‌شوند و بقیه در بیش از یکی ظاهر می‌گردند.

• بسامد

1. Frequency

2. Age-of-acquisition

بسامد کلمات نوشتاری در نتیجه تحقیقات فرانسیس و کواکر (۱۹۸۲)

بدست آمد: نکته مثبت این تحقیق این بود که در آیتم‌های واژگانی، کاربردهای اسم و فعل از یکدیگر متمایز می‌شوند. تصاویر شیء و عمل براساس بسامد برچسب‌های کلامی واژگان نوشتاری مرکبشان^۱ بصورت دو به دو تطبیق داده شده بودند. در این لیست ۷۹ جفت اسم-فعل کاملاً با هم تطبیق داده شده بودند در غیر اینصورت تفاوت در یک یا دو مورد در هر میلیون بود.

در مورد ۱۲ آیتم بعدی تفاوت در بسامد ۳ الی ۷ بود. تفاوت در بسامدهای بالاتر تا حدی بیشتر است، بطوریکه میزان این تفاوتها میان ۱۳ الی ۳۷ در ۹ آیتم بود. برچسب‌های کلاسی افعال و اسامی که به لحاظ فراوانی (بسامد) تطبیق داده شده بودند، در ضمیمه ۴ ارائه شده است. این لیست در جهت افزایش فراوانی تنظیم شده و به ۳ بخش کم‌بسامد (فراوانی کم)، متوسط و پربسامد جفتهای اسامی و افعال در نوارهای فراوانی مختلف تقسیم گردیده است. از جدول ۱ موارد زیر دریافت می‌شود:

انحراف از معیار، دامنه فراوانی‌های اسامی و افعال در طیف فراوانی مختلف.

^۱. Cumulative

جدول (۱): چکیده‌ای از فراوانی‌های واژگان مکتوب شامل زوج‌های اسم و فعل در لیست
تطبیق داده شده فراوانی

	تعداد	میانگین	انحراف معیار	دامنه
فرکانس پایین		10.75	5.97	2-20
اسامی افعال	28	10.68	6.18	1-20
فرکانس متوسط		48.94	23.02	21-98
اسامی افعال	48	49.04	29.08	20-97
فرکانس بالا		228.96	110.37	101-524
اسامی افعال	24	226.38	110.93	102-561

• سن فراگیری

میانگین سن فراگیری برچسب‌های کلامی نوشتاری در تمامی آیتم‌های این مجموعه بدست آورده شد. ۴۰ نفر شامل ۴ مرد و ۳۶ زن که دامنهٔ نسبی‌شان بین ۲۰ الی ۴۱ سال بود (متوسط ۲۶/۵۶٪) در دو لیست مجزا که یکی مربوط به اسامی و دیگری برای افعال بود شرکت داده شده بودند و به ما اطلاعات می‌دادند. بمنظور تمییز بین برچسب‌های اسم و فعل، افعال بشکل مصدری ظاهر شده بودند. دستور العمل‌های Carroll, White در زمینهٔ میانگین سن فراگیری، به استثناء موردی که در آن مقیاس ۷ درجه‌ای به جای مقیاس ۹ درجه‌ای مورد استفاده قرار گرفت. هر امتیاز در این مقیاس یک طیف دو ساله را بازنمایی می‌کرد که از ۱ (بازنمایی سن ۲-۰ سال) تا ۷ (بازنمایی کنندهٔ ۱۳ سال به بالا) گسترش یافته بود.

در مورد واژگانی که در این مجموعه قرار نداشتند، به اطلاع دهندگان نمونه‌هایی از میانگین‌های موجود ارائه شد. میزان تطابق بدست آمده در این لیست بسیار بالا بود. دسترسی به این تطابق در اکثر آیتم‌ها به صورت کامل یا نسبتاً کامل صورت گرفت. این تفاوت صرفاً بیش از ۱۰٪ در ۶ مورد بود. بیشترین تفاوت میان افعال to dance (۲/۳۵) و crown (۲/۶۳) گزارش شد. لیست تطبیق داده شده سن فراگیری افعال و اسامی در ضمیمه ۵ ارائه شده است. این لیست به ۳ بخش تقسیم می‌شود: اکتساب ثانویه^۱، اکتساب اولیه^۲ و اکتساب زود هنگام^۳.

در جدول ۲ میزان انحراف معیار و حدود میانگین سن اکتساب برای افعال و اسامی در طیف‌های مختلف سن فراگیری ارائه می‌شود.

جدول (۲): چکیده‌ای از میانگین سن فراگیری زوج‌های اسم و فعل در لیست تطبیق داده

شده سن فراگیری

	تعداد	میانگین	انحراف معیار	دامنه
اکتساب ثانویه		3.44	0.36	4.41-2.96
اسامی افعال	28	3.41	0.35	4.46-3.03
اکتساب اولیه		2.49	0.24	2.93-2.05
اسامی افعال	47	2.47	0.24	2.93-2.08
اکتساب		1.76	0.19	2.00-1.37
زود هنگام	25	1.76	0.20	2.00-1.30

1. Later acquired
2. Early acquired
3. Very early acquired

اسامی افعال				
-------------	--	--	--	--

• میزان آشنایی

برای تعیین میانگین میزان آشنایی هر یک از برچسب‌های کلامی نوشتاری در تمامی آیت‌ها از شیوه مشابهی استفاده شد، که طی آن از طبقه‌بندی میانگین‌های سن‌فراگیری و همان تعداد اطلاع دهنده (۸ مرد و ۳۲ زن با میانگین سنی ۲۱ الی ۴۲ بطور متوسط ۲۸ تا ۵۲) استفاده گردید.

دستورالعمل‌های ارزیابی میزان آشنایی بعنوان مثال آنچه که Gilhooly و Logie ارائه دادند مشابه با آن چیزی است که Noble در سال ۱۹۵۳ بکار برده بود با این تفاوت که از یک مقیاس ۷ درجه‌ای (بسیار ناآشنا = ۱ و بسیار آشنا = ۷) بر جای یک مقیاس ۵ درجه‌ای استفاده شده بود. در مواردی میانگین‌های موجود برای لغاتی که در مجموعه نبودند به اطلاعات دهندگان ارائه شد. در این لیست تطابق بسیار نزدیکی در میزان آشنائیت افعال و اسامی حاصل شد. تفاوت بیش از ۱۰٪ میان هر جفت فعل-اسم تنها در ۲۴ مورد گزارش شد. بیشترین تفاوت میان جفتهای tray و to stork (به ترتیب ۳/۳۷ و ۳/۷۶) - to skip, anchor (۱/۵۹) و (۱/۹۸) بود.

لیست تطبیق داده شده آگاهی از افعال و اسامی در ضمیمه ۶ آورده شده

است. این لیست به ۳ بخش (بطور مجزا) تقسیم می شود که عبارتند از ۱- ناآشنا

۲- آشنا ۳- بسیار آشنا (معلوم).

جدول ۳ میانگین، انحراف معیار و میزان آشنائیت برای افعال و اسامی را در

حوزه های مختلف دربرمی گیرد.

جدول (۳): چکیده ای از میزان آشنائیت زوج های اسم و فعل در لیست تطبیق داده شده

میزان آشنایی

	تعداد	میانگین	انحراف معیار	دامنه
آشنایی کمتر		2.28	0.37	1.71-2.86
اسامی افعال	28	2.28	0.34	1.62-2.76
آشنا		3.95	0.54	2.93-2.05
اسامی افعال	46	3.95	0.48	2.93-2.08
بسیار آشنا		5.91	0.46	5.03-6.54
اسامی افعال	26	5.89	0.49	5.00-6.71

شاخصهای دیگر

• قابلیت تصور

در این مجموعه میانگین قابلیت تصور برچسب‌های نوشتاری کلیه افعال و اسامی توسط ۳۶ اطلاع دهنده فراهم شد (این افراد شامل ۱۱ مرد و ۲۵ زن بودند که میانگین نسبتشان بین ۲۳ تا ۴۰ (میانگین ۲۵/۳) بود.

دستور العمل‌هایی که در سال ۱۹۶۸ توسط poivio و Maadiga مورد

استفاده قرار گرفته بود تطابق یافته بودند. در این دستور العمل‌ها از یک مقیاس ۷

درجه‌ای استفاده می‌شد (درجه ۷ بر کلماتی تعلق می‌گرفت که تصاویر ذهنی را با

بیشترین آسانی برمی‌انگیزند، درجه ۱ برای کلماتی بود که تصاویر ذهنی را به

سختترین مشکل ممکن برمی‌انگیزند).

پاره‌ای از میانگین‌های موجود برای کلماتی که در این مجموعه قرار نداشتند نیز در

اختیار اصلاح دهندگان قرار گرفت.

در لیست اسامی بالاترین و پائین‌ترین درجه (میانگین) به ترتیب به واژگان

فیل و وزن تعلق می‌گیرد. از آن جاییکه معنای انتزاعی واژه دوم در شکل کلامی آن

نهفته است، درجه پایینی به آن تعلق می‌گیرد.

در لیست افعال لبخند زدن و بوسیدن بیشترین درجه و یکه خوردن کمترین

درجه را دریافت می‌کنند. درجه پایینی متعلق به گزینه دوم ناشی از معنای انتزاعی

موجود در شکل کلامی آن می‌باشد.

میانگین، انحراف معیار و میزان قابلیت تصور این افعال و اسامی در جدول

(۴) ارائه شده است.

جدول (۴): چکیده‌ای از میزان قابلیت تصور اسامی و افعال

	تعداد	میانگین	انحراف معیار	دامنه
اسامی	162	5.82	0.59	3.14-6.63
افعال	100	4.23	0.58	2.97-5.43

• پیچیدگی بینایی

در این مجموعه میانگین‌های مربوط به پیچیدگی بینایی تصاویر از ۴۰ شرکت‌کننده (۲۰ مرد و ۲۰ زن) جمع‌آوری شده است که سن آنها بین سنین ۱۸ تا ۵۵ ساله بوده است. دستورالعمل‌هایی که در این زمینه مورد استفاده قرار گرفتند، با استناد به گزارشات vander wal, snodgrass در سال ۱۹۸۰ تطابق یافته بودند، این دستورالعمل‌ها دربرگیرنده یک مقیاس ۷ درجه‌ای (بسیار ساده = ۱، بسیار پیچیده = ۷) بودند.

در مجموعه تصاویر شیء، مثلث کمترین و کتابخانه بیشترین درجه پیچیدگی را دریافت کردند. در مجموعه تصاویر عمل، چک کردن (چکاندن آب) کمترین درجه و دست تکان دادن بیشترین درجه را دریافت کردند.

در جدول ۵ میانگین، انحراف معیار و میانگین میزان پیچیدگی بینایی اسامی و افعال ارائه شده است.

جدول (۵): چکیده‌ای از میزان پیچیدگی بینایی تصاویر

	تعداد	میانگین	انحراف معیار	دامنه
اسامی	162	3.46	1.34	1.13-6.40
افعال	100	4.25	0.77	2.38-6.00

۳-۵ زیر گروه لیست‌ها

این مجموعه از ۱۶۲ تصویر شی و ۱۰۰ تصویر فعل تشکیل شده است. لیست کامل نامهای تصاویر همراه با تعداد آیتم‌ها، طول و مقدار فراوانی و میزان آشنایی، قابلیت تصور و پیچیدگی بینایی در ضمیمه ۷ موجود می‌باشد. با توجه به شمار زیاد آیتم‌های موجود در این تست ممکن است به نظر آید که اجرای تست در یک بخش ممکن نباشد، بنابراین ما لیست کامل و لیست تطبیق داده شده سن فراگیری را به دو مجموعه قابل مقایسه A و B تقسیم کردیم. لیست‌های تقسیم شده در ضمیمه ۸ و ۹ ارائه شده‌اند.

برای آنکه نشان دهیم لیست‌های تقسیم شده در مورد هر مراجع قابل قیاس است، جدول ۶a را که شامل میانگین‌ها و انحراف معیارهای مربوط به تمام متغیرهای آیتم‌های موجود در لیست A و B لیست کامل بود، تهیه کردیم. جدول

۶b میانگینی را در برمی گیرد که از طریق آن سن فراگیری آیتم‌های موجود در لیست‌های A و B از لیست تطبیق داده شده سن فراگیری، درجه بندی می‌شود.

جدول (۶a): میانگین خصوصیات آیتم‌های تست در لیست‌های A و B از لیست نهایی

	طول واج	طول هجاء	فرکانس	میزان آشنائیت	AOA	قابلیت تصور	پیچیدگی بینایی
اسامی							
لیست A	4.12	1.58	61.48	3.95	2.41	5.88	3.48
لیست B	4.15	1.49	69.58	3.84	2.57	5.78	3.48
افعال							
لیست A	5.44	2.04	76.34	3.86	2.54	4.20	4.29
لیست B	5.46	2.08	85.40	4.11	2.58	4.29	4.18

جدول (۶b): میانگین سن فراگیری آیتم‌ها در لیست A و B از لیست تطبیق داده شده سن فراگیری

	اسامی	افعال
لیست A	2.55	2.54
لیست B	2.59	2.58

۶-۳ اطلاعات بدست آمده از شرکت کنندگان مسن بدون آسیب مغزی:

از آنجائیکه یکی از اهداف این مجموعه ارزیابی نامیدن در بزرگسالان آفاز

یک می‌باشد، جمع‌آوری اطلاعات اصولی از شرکت کنندگان مسن بدون آسیب

مغزی ضروری بود. از ۲۳ شرکت کننده بین سنین ۶۱ تا ۷۰ ساله (میانگین ۶۵/۴۳) و ۲۳ شرکت کننده بین سنین ۷۱ تا ۸۰ سال (میانگین ۷۵/۶۸) خواسته شد تا تصاویر شیء و عمل را نام ببرید. در جداول Va و Vb دامنه تغییرات، میانگین و انحراف معیار عملکردهای نامیدن این دو گروه را ارائه کرده ایم. این افراد پاسخهای غیر هدفی را تولید می کردند که بدنبال یک اشاره (تلاش) تصحیح می شد. این پاسخها موارد زیر را دربرنمی گیرند:

۱- پاسخهای خودبه خود اصلاح شونده

۲- پاسخهای ترکیبی اسمی (لانه ← لانه پرنده)

۳- سایر عباراتی را که دربرگیرنده هدف می باشند (از قبیل شکاف ← شکاف دیوار)

۴- مترادفها {از قبیل axe → hatchet (تبر)، devil → satan (شیطان)،

bucket → pail (سطل)}

تمامی پاسخهای غیر هدف این شرکت کنندگان در ضمیمه ۱۰ موجود می باشد.

جدول (Va): چکیده ای از خطاهایی که توسط شرکت کنندگان بدون آسیب مغزی بین سنین

۷۰-۶۱ انجام شده است.

	دامنه	میانگین	انحراف معیار
اسامی	0-8	2.82	1.87
افعال	0-9	3.05	2.40

جدول (۷b): چکیده‌ای از خطاهایی که توسط شرکت کنندگان بدون آسیب مغزی بین سنین ۸۰-۷۱ انجام شده است.

	دامنه	میانگین	انحراف معیار
اسامی	0-9	4.23	2.72
افعال	0-18	5.41	4.10

۳-۷ نحوه استفاده و اجرای این مجموعه بعنوان یک وسیله ارزیابی:

این مجموعه بعنوان منبع عمومی تحقیقات روان-زبان‌شناختی و ارزیابی کلینیکی در نظر گرفته شده است. راهنمائیهای بعدی، خاص افرادی است که علاقمند به استفاده از این مجموعه با هدف ارزیابی بیماران، آواز یک هستند.

۳-۸ فرمهای معرفی:

برای اجرای تست دستورالعملهای دقیقی در هر یک از فرمهای معرفی ارائه شود. اجرای کلیه آیت‌های موجود در تست در تمام موارد، ضروری یا مطلوب به نظر نمی‌رسد.

برای مثال ممکن است آزمونگر بخواهد از نیمی از تصاویر جهت اهداف ارزیابی و از نیمی دیگر برای اهداف اصلاحی^۱ یا آزمون مجدد^۱ استفاده کند و یا

^۱. Remediation

نیمی از آیتمها را تنها بمنظور جلوگیری از خستگی در بخش به کاربرد، بنابراین لیست کامل و لیست مطابق با سن فراگیری به دو بخش A و B تقسیم می‌شوند. اگر آزمونگر مطمئن نباشد یا بخواهد نشان بدهد که از بین سه متغیر روان بازشناختی، یعنی فراوانی، میزان آشنایی و سن فراگیری کدامیک بر عملکرد اجرایی تأثیر می‌گذارد، اجرای آیتمها در لیست کامل ضروری است. (کاربرد لیست کامل A و B در ضمیمه ۸).

آزمونگر می‌تواند از لیست سن فراگیری A و B بطور متناوب استفاده کند (ضمیمه ۹). محرکی که در فرمهای اجرایی ارائه می‌شود با آیتمهای موجود در لیستهای تقسیم شده در ضمیمه ۸ و ۹ مطابقت می‌کند. تفاوت در آنجاست که آیتمهای موجود در فرمهای اجرایی به شیوه تصادفی ارائه می‌شوند.

۳-۹ راهنمایی‌هایی برای ارزیابی و آزمودن بیماران آفازیک:

ما بمنظور کاهش تعداد پاسخهای غیر هدف پیشنهاد می‌کنیم که به راهنماییهای بعدی توجه شود.

۱- در مورد تصاویر فعل، مکرراً این سؤال را تکرار کنید (به عنوان مثال: او چه کار انجام می‌دهد؟ یا اینجا چه روی داده است؟)

¹. Test and re- test

مراقب باشید که از سؤال مناسب استفاده کنید و این بویژه در مورد افعال

غیرمفعولی (Sail, Floot, Melt) و افعال مشخص کننده اعمال ساکن^۱ (sit, smile, lean) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عبارتی در جائیکه از تصویر، کاملاً مشخص نیست که یک پاسخ فعلی مورد نیاز است.

۲- هدف در برخی تصاویر بعنوان بخشی از یک تصویر پیچیده به نظر می‌رسد (roots, letter,.....) در برخی دیگر هدف شامل کل تصویر همراه با جزئیات اضافی می‌باشد. (pond, kitchen, bedroom, ...) پاسخهای مورد نیاز را با توجه به نامیدن بخشی از تصویر ارائه دهید.

۳- زمانیکه پاسخهای غیر هدف تولید می‌شوند از اشاراتی که در فرم‌های معرفی ارائه شده استفاده کنید.

۱۰-۳ ارزیابی رفتارهای بیمار آفازیک:

عملکرد بیمار آفازیک ممکن است با داده‌های هنجاری که از ۴۵ شرکت کننده مسن بدون آسیب مغزی بدست آمده مقایسه شود. این تمرین جهت استفاده از مقیاس دو انحراف معیار زیر میانگین بعنوان علامت رفتار آسیب دیده،

^۱. Static actions

متداول می باشد. سن بیمار تعیین خواهد کرد که کدام مجموعه اطلاعات هنجار،

مناسب می باشند.

ضمیمه ۱۰ لیستی از پاسخهای غیر هدف را فراهم می کند که شامل نامهای

متناوب قابل قبول برای تصاویر می باشند.

فصل ۴

۱-۴ ساختار تست شیء و عمل

این تست شامل ۱۰۰ واژه فعلی است که به شکل اسم مصدر^۱ ظاهر می‌شوند و ۱۶۲ واژه اسمی که هر کدام از افعال و اسامی در جدول مربوطه‌شان قرار گرفته‌اند. برای مشخص کردن کامل تصاویر و واژه‌ها، هر تصویر دارای یک شماره صفحه^۲ و یک شماره آیتم^۳ مشخص می‌شوند.

هر جدول شامل ۶ ستون است که عناوین هر ستون بترتیب عبارتند از: شماره آیتم، هدف^۴، اولین پاسخ^۵، مدت زمان ارائه پاسخ^۶، یادآوری^۷ و پاسخهای بعدی^۸ است که در ادامه بطور کامل توضیح داده خواهند شد.

- شماره آیتم

همانگونه که اشاره شد تصاویر دارای یک شماره صفحه و یک شماره آیتم هستند در ساختار تست (جدول) نیز واژه‌های مربوط به تصاویر (فعل و شیء) توسط آیتم مشخص شده‌اند.

-
1. Ing form
 2. page
 3. Item number
 4. Target
 5. First response
 6. Latency
 7. Prompt
 8. Subsequent Response

- هدف

واژه‌های مربوط به تصاویر ارائه شده به شرکت‌کنندگان در این ستون قرار

می‌گیرند.

- پاسخ اولیه

در هنگام انجام تست، اولین پاسخ شرکت‌کننده در هنگام دیدن تصویر

مربوطه در این ستون ثبت می‌شود، خواه پاسخ شرکت‌کننده صحیح باشد خواه

غلط. ولی به شرکت‌کننده توضیح می‌دهیم که در هنگام دیدن تصویر بهترین

گزینه‌ای را که در ذهن وی تداعی می‌شود بیان کند. پس در این ستون فقط یک

پاسخ قرار می‌گیرد.

- مدت زمان ارائه پاسخ

برای تعیین میزان آشنایی فرد از تصاویر مورد نظر، محاسبه مدت زمان

پاسخگویی به تصاویر ضروری است.

در هنگام انجام تست، مبنای زمان را ۱ ثانیه در نظر می‌گیریم و از زمانی که

شرکت‌کننده کارت مربوط به تصویر را برداشت شروع به احتساب زمان می‌کنیم.

- یادآوری

نمایش تصاویر افعال و اسامی با دستورالعمل‌های خاص همراه است که

عبارتند از:

اسامی

۱- اگر شرکت کننده به قسمت نادرست تصویر اشاره کند (مثلاً: پاکت نامه به جای نامه)، توجه شخص با اشاره به آن قسمت به منطقه مورد در تصویر هدایت می شود. بنابراین علامت اختصاری (ی) مخفف یادآوری را در ستون یادآوری قرار می دهیم.

۲- اگر پاسخ شرکت کننده به مقوله تصویر مورد نظر بازگردد (برای مثال حیوان به جای ببر) او باید پاسخ تخصصی تری بدهد و از او می خواهیم که کمی دقیق تر اشاره کند. بنابراین از علامت اختصاری (د) مخفف واژه دقیق تر^۱ را در ستون یادآوری قرار می دهیم.

۳- اگر شرکت کننده به زیرگروه تصویر مورد نظر اشاره کند (مثال: گنجشک به جای پرنده) وی باید یک پاسخ عمومی تر بدهد، بنابراین باید در ستون یادآوری از علامت اختصاری ک مخفف کلی تر^۲ استفاده کنیم.

۴- اگر شرکت کننده پاسخ صحیح بدهد اما پاسخ شرکت کننده، پاسخ مورد نظر تست نباشد، به او می گوئیم که پاسخ صحیح است اما پاسخ مورد نظر نیست و این سؤال را مطرح می کنیم «شما می توانید یک پاسخ دیگری به من بدهید؟» بنابراین از علامت اختصاری ج مخفف جانشین^۳ در ستون یادآوری بهره می گیریم.

1. Specific
2. General
3. Alternative

افعال

۱- اگر پاسخ داده شده به قسمت نادرستی در تصویر مربوط باشد (مثلاً: شخصی به جای نامیدن عمل مورد نظر در تصویر، اسم شیء را بگوید) سؤال فوق باید تکرار شود. بنابراین در ستون یادآوری از علامت اختصاری ت مخفف تکرار استفاده می کنیم.

۲- اگر شرکت کننده سرگروه تصویر مورد نظر را نام ببرد (مثال: باغبانی به جای آبیاری) از او خواسته می شود تا کمی اختصاصی تر توضیح دهد. بنابراین علامت د مخفف دقیق تر را در ستون یادآوری قرار می دهیم.

۳- اگر شرکت کننده پاسخ صحیح بدهد اما پاسخ مورد نظر تست نباشد می گوئیم که پاسخ شما صحیح است و از او می خواهیم که یک پاسخ دیگر بدهد، «می توانی یک پاسخ دیگر بدهی؟» بنابراین از علامت اختصاری ج مخفف جانشین در ستون یادآوری بهره می گیریم.

۲-۴ شرایط تحصیلی و سنی شرکت کنندگان:

شرکت کنندگان در تست، از سطح تحصیلی دیپلم یا بالاتر برخوردار بودند.

سن آنها نیز بین ۲۵ تا ۳۵ سال قرار داشت.

تعداد شرکت کنندگان در این تست ۲۰ نفر بود.

نکته: جنسیت شرکت کنندگان در انجام این تست مطرح نبود.

۳-۴ جداول ارزیابی:

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

جداول مربوط به ارزیابی نامیدن تصاویر شیء و عمل در ادامه خواهند آمد.

www.kandoo.cn.com
www.kandoo.cn.com
www.kandoo.cn.com

تست نامیدن اسامی

شماره آیم	هدف	اولین پاسخ	مدت زمان ارائه پاسخ	یادآوری	پاسخ بعدی
۱۴۴	کراوات				
۳۰	شمع				
۱۳۴	تمبر				
۱۴۶	زبان				
۴۸	گاو				
۱۸	استخوان				
۱۵۴	چتر				
۵۴	سگ				
۴۴	یقه				
۷۶	تاب				
۱۳۲	قاشق				
۱۳۶	توت فرنگی				
۱۶	کمر بند				
۷۲	دروازه				
۱۱۸	جاده				
۱۵۰	درخت				
۹۲	نامه				
۸	موز				
۱۲	رختخواب				
۱۲۸	کفش				
۵۶	طبیل				
۳۶	گیلاس				
۴۶	رهبرارکستر				
۱۳۰	دوش				

				توپ	۶
				پرده	۵۲
				راهبه	۱۰۲
				شاه	۸۶

شماره آتم	هدف	اولین پاسخ	مدت زمان ارائه پاسخ	یادآوری	پاسخ بعدی
۸۰	بیمارستان				
۱۱۴	کالسکه				
۴۰	دایره				
۱۲۰	ریشه				
۱۰۶	پیانو				
۹۴	شیر				
۶۰	چشم				
۱۰۸	قاب عکس				
۱۴۸	تراکتور				
۷۰	میوه				
۶۸	چنگال				
۷۸	قلب				
۲۶	پروانه				
۲۰	جعبه				
۸۸	گره				
۱۴۰	میز				
۲۲	پل				
۳۸	سیگار برگ				
۲	فرشته				
۳۴	صندلی				
۱۶۰	سوت				

				فیل	۵۸
				لانه	۱۰۰
				گوسفند	۱۲۶
				ماهی	۶۴
				کتری	۸۴
				صلیب	۵۰
				گل	۶۶

شماره آیم	هدف	اولین پاسخ	مدت زمان ارائه پاسخ	یادآوری	پاسخ بعدی
۱۳۸	خورشید				
۱۱۰	پیپ				
۱۰	وان				
۴	تبر				
۱۲۲	ساندویچ				
۹۶	پول				
۱۱۲	جیب				
۱۵۲	شیپور				
۱۵۶	پیشخدمت زن				
۹۸	موش				
۴۲	ساعت				
۱۴	زنبور				
۱۱۶	راديو				
۸۲	اتو				
۱۵۸	وزنه				
۲۴	سطل				

				ترده	۶۲
				شتر	۲۸
				چادر	۱۴۲
				برگ	۹۰
				گلابی	۱۰۴
				گیتار	۷۴
				قیچی	۱۲۴
				جادوگر	۱۶۲
				گریه	۳۲
				بینی	۱۰۱
				اتاق خواب	۱۳
				قلعه	۳۱
				اتوبوس	۲۵

شماره آیم	هدف	اولین پاسخ	مدت زمان ارائه پاسخ	یادآوری	پاسخ بعدی
۹۷	ماه				
۲۳	برس				
۶۳	انگشت				
۱۵۵	پیشخدمت مرد				
۸۵	کلید				
۸۱	خانه				
۱۱۷	چنگک				
۱۰۵	مداد				
۳	دست				
۱۵۳	تونل				

				پشت بام	۱۱۹
				کتاب	۱۹
				دکمه	۲۷
				سایه	۱۲۵
				سینی	۱۴۹
				چارپایه	۱۳۵
				قاضی	۸۳
				دوربین عکاسی	۲۹
				قارچ	۹۹
				مغز	۲۱
				پاکت	۵۹
				پیک نیک	۱۰۷
				جهانگرد	۱۴۷
				زنجیر	۳۳
				انگور	۷۳
				تاج	۵۱
				پنیر	۳۵
				کلاه	۷۷

شماره آیم	هدف	اولین پاسخ	مدت زمان ارائه پاسخ	یادآوری	پاسخ بعدی
۱۴۴	کراوات				
۳۰	شمع				
۱۳۴	تمبر				
۱۴۶	زبان				
۴۸	گاو				
۱۸	استخوان				

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

				چتر	۱۵۴
				سگ	۵۴
				یقه	۴۴
				تاب	۷۶
				قاشق	۱۳۲
				توت فرنگی	۱۳۶
				کمر بند	۱۶
				دروازه	۷۲
				جاده	۱۱۸
				درخت	۱۵۰
				نامه	۹۲
				موز	۸
				رختخواب	۱۲
				کفش	۱۲۸
				طبل	۵۶
				گیلاس	۳۶
				رهبرارکستر	۴۶
				دوش	۱۳۰
				توپ	۶
				پرده	۵۲
				راهبه	۱۰۲
				شاه	۸۶

شماره آیتم	هدف	اولین پاسخ	مدت زمان اولین پاسخ	یادآوری	پاسخ های بعدی
۴۳	دلقک				

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

				سیگار	۳۹
				آشپزخانه	۸۷
				سیرک	۴۱
				کتابخانه	۹۳
				لنگر	۱
				پیراهن	۱۲۷
				زنگ	۱۵
				ترک	۴۹
				چوب پنبه	۴۷
				باغچه	۷۱
				نردبان	۸۹
				پاداران - ساق	۹۱
				تانک	۱۴۱
				شورت	۱۲۹
				کلیسا	۳۷
				مربع	۱۳۳
				تبر	۵
				سوسیس	۱۲۳
				سرشاخه	۱۱۱
				شمشیر	۱۳۹
				پرچم	۶۵
				سرسره	۱۳۱
				هرم	۱۱۵
				چرخ	۱۵۹
				مو	۷۵
				زین	۱۲۱
				ساعت مچی	۱۵۷

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

شماره آیتم	هدف	اولین پاسخ	مدت زمان اولین پاسخ	یادآوری	پاسخ های بعدی
۷۹	اسب				
۱۰۹	خوک				
۱۴۳	بلیط				
۱۷	پرنده				
۱۵۱	مثلث				
۹	سبد				
۷	بادکنک				
۴۵	شانه				
۱۰۳	اداره				
۶۱	پر				
۱۱	ریش				
۱۳۷	زیردریایی				
۶۹	قورباغه				
۵۳	شیطان				
۹۵	نقشه				
۱۶۱	پنجره				
۵۷	مرغابی				

تست نامیدن افعال

شماره آیتم	هدف	اولین پاسخ	مدت زمان اولین پاسخ	یادآوری	پاسخ های بعدی
۱۴	چهار دست و پا رفتن				
۳۲	تا کردن				
۲۶	رانندگی کردن				
۹۸	خم شدن				
۲۴	نوشیدن				
۶۴	غرش کردن				
۸۶	شنا کردن				
۸۲	برف باریدن				
۴	گاز گرفتن				
۲۰	شیرجه زدن				
۲۸	خوردن				
۸۴	ایست دادن				
۳۰	شناور بودن				
۱۰۰	خمیازه کشیدن				
۲۲	خواب دیدن				
۶۰	با چنگک جمع کردن				
۳۴	شعبده بازی کردن				
۷۴	اسکیت کردن				
۵۲	بازی کردن				
۳۶	شوت کردن				
۷۸	سر خوردن				
۴۴	روشن کردن				
۴۰	در زدن				
۸۸	غلغلک دادن				
۴۲	تکیه دادن				
۹۴	تلویزیون تماشا کردن				
۲	گلایه کردن				
۱۶	گریه کردن				

شماره آیتم	هدف	اولین پاسخ	مدت زمان اولین پاسخ	یادآوری	پاسخ های بعدی
۵۰	نیشگون گرفتن				
۴۸	رنگ کردن				
۷۲	غرق شدن				
۹۰	گره زدن				
۹۲	راه رفتن				
۳۸	زانو زدن				
۶	فوت کردن				
۶۶	دویدن				
۷۶	طناب زدن				
۸۰	سیگار کشیدن				
۵۶	عبادت کردن				
۶۸	خیاطی کردن				
۱۸	رقصیدن				
۱۰	گرفتن				
۸	ساختن				
۴۶	ذوب شدن				
۶۲	سواری کردن				
۱۲	شانه کردن				
۷۰	تیراندازی کردن				
۵۴	پست کردن				
۹۶	دست تکان دادن				
۵۸	هل دادن				
۵۹	باریدن				
۴۱	خندیدن				
۶۱	خواندن				
۳۳	اتو کردن				
۱۱	بالارفتن				
۴۳	لیسیدن				

شماره آیتم	هدف	اولین پاسخ	مدت زمان اولین پاسخ	یادآوری	پاسخ های بعدی
۶۳	زنگ زدن				
۸۳	بهم زدن				
۳۷	بوسیدن				
۶۵	تکان دادن				
۲۹	ماهگیری کردن				
۹۱	تایپ کردن				
۳۹	بافتن				
۵۳	اشاره کردن				
۹۵	آبیاری کردن				
۱۷	بریدن				
۵۵	ریختن				
۵۱	نهال کاشتن				
۶۹	اصلاح کردن				
۲۷	رها کردن				
۹۳	شستن				
۸۷	تاب خوردن				
۳	خم کردن				
۵۷	کشیدن				
۴۹	پوست کندن				
۱۵	عبور کردن				
۵	خونریزی کردن				
۸۱	عطسه کردن				
۳۵	پریدن				
۱	غرش کردن				
۲۵	چکه کردن				
۷	دریبل کردن				
۷۳	نشستن				
۷۷	خوابیدن				

شماره آیتم	هدف	اولین پاسخ	مدت زمان اولین پاسخ	یادآوری	پاسخ های بعدی
۳۱	پرواز کردن				
۴۷	بازکردن				
۲۱	نقاشی کردن				
۹۷	فرش بافتن				
۹۹	نوشتن				
۴۵	رژه رفتن				
۸۵	نوازش کردن				
۷۵	اسکی کردن				
۷۱	آواز خواندن				
۷۹	لبخند زدن				
۹	حمل کردن				
۱۳	پختن				
۱۹	کندن				
۸۹	لمس کردن				
۲۳	سوراخ کردن				
۶۷	کشتیرانی کردن				

فصل ۵

۵-۱ تهیه جدول آماری

هدف از تهیه جدول نتایج، حذف تصاویری بوده است که بیش از ۵۰٪ شرکت کنندگان آنرا به غلط نامیده باشند (این کار بدون در نظر گرفتن زمان پاسخگویی و پاسخ‌های بعدی صورت گرفته است).

جدول مذکور شامل چندین ستون است که در ستونهای مختلف برای هر تصویر، یک شماره ردیف، یک شماره صفحه و یک شماره آیتم در نظر گرفته شده است. همچنین یک ستون برای واژه مربوط به تصویر مورد نظر و دو ستون آخر نیز برای ثبت پاسخ‌های صحیح و غلط در نظر گرفته شده است.
توجه: پاسخ‌های صحیح و غلط بصورت درصد محاسبه شده‌اند.

ترتیب قرارگیری تصاویر و صفحه و آیتم مربوط به هر واژه، به این صورت بوده: تصاویری که پاسخ‌های ۱۰۰٪ صحیح داشته‌اند. در ردیف‌های اول و تصاویری که پاسخ‌های صحیح کمتری را کسب کرده بودند در ردیف‌های بعدی جای گرفته‌اند.

جدول نتایج نیز برای اسامی و افعال بطور جداگانه تهیه شده است.

۲-۵ نتیجه گیری

طبق جدول تهیه شده از ۱۰۰ تصویر مربوط به افعال، در مورد تصویر فعل لمس کردن (Touching) آیتم ۸۹- در صفحه ۱۰۰، ۶۰٪ از شرکت‌کنندگان به پاسخ مورد نظر اشاره نکردند و در تصاویر مربوط به اشیاء نیز تصاویر ننو (hammock)، آیتم ۷۶- صفحه ۱۱ توسط ۶۰٪ شرکت‌کنندگان، همچنین تصویر بلیط (Ticket)، آیتم ۱۴۳- صفحه ۱۴۶ توسط ۱۰۰٪ شرکت‌کنندگان به غلط نامبرده شدند.

بدین ترتیب تصاویر مذکور (مربوط به واژه‌های ننو، بلیط و لمس کردن) تعویض شدند. تصاویر جدید مورد ارزیابی قرار گرفتند و به دنبال کسب نمرات قابل قبول جانشین تصاویر قبلی شدند.

شماره	صفحه	آیتم	واژه هدف	پاسخ صحیح	پاسخ غلط	شماره	صفحه	آیتم	واژه هدف	پاسخ صحیح	پاسخ غلط
۱	۲	۱۴۴	کروات	%۱۰۰	-	۲۶	۳۸	۱۴۸	تراکتور	%۱۰۰	-
۲	۳	۳۰	شمع	%۱۰۰	-	۲۷	۳۹	۷۰	میوه	%۱۰۰	-
۳	۶	۴۸	گاو	%۱۰۰	-	۲۸	۴۰	۶۸	چنگال	%۱۰۰	-
۴	۷	۱۸	استخوان	%۱۰۰	-	۲۹	۴۱	۷۸	قلب	%۱۰۰	-
۵	۸	۱۵۴	چتر	%۱۰۰	-	۳۰	۴۲	۲۶	پروانه	%۱۰۰	-
۶	۹	۵۴	سگ	%۱۰۰	-	۳۱	۴۳	۲۰	جعبه	%۱۰۰	-
۷	۱۲	۱۳۲	قاشق	%۱۰۰	-	۳۲	۴۵	۱۴۰	میز	%۱۰۰	-
۸	۱۴	۱۶	کمر بند	%۱۰۰	-	۳۳	۴۶	۲۲	پل	%۱۰۰	-
۹	۱۶	۱۱۸	جاده	%۱۰۰	-	۳۴	۴۷	۳۸	سیگار برگ	%۱۰۰	-
۱۰	۱۷	۱۵۰	درخت	%۱۰۰	-	۳۵	۴۹	۳۴	صندلی	%۱۰۰	-
۱۱	۱۸	۹۲	نامه	%۱۰۰	-	۳۶	۵۰	۱۶۰	سوت	%۱۰۰	-
۱۲	۱۹	۸	موز	%۱۰۰	-	۳۷	۵۱	۵۸	فیل	%۱۰۰	-
۱۳	۲۰	۱۲	رختخواب	%۱۰۰	-	۳۸	۵۳	۱۲۶	گوسفند	%۱۰۰	-
۱۴	۲۱	۱۲۸	کفش	%۱۰۰	-	۳۹	۵۴	۶۴	ماهی	%۱۰۰	-
۱۵	۲۲	۵۶	طبل	%۱۰۰	-	۴۰	۵۵	۸۴	کتری	%۱۰۰	-

-	%۱۰۰	گل	۶۶	۵۷	۴۱	-	%۱۰۰	گیلاس	۳۶	۲۳	۱۶
-	%۱۰۰	خورشید	۱۳۸	۵۸	۴۲	-	%۱۰۰	دوش	۱۳۰	۲۵	۱۷
-	%۱۰۰	پیپ	۱۱۰	۵۹	۴۳	-	%۱۰۰	توپ	۶	۲۶	۱۸
-	%۱۰۰	وان	۱۰	۶۰	۴۴	-	%۱۰۰	پرده	۵۲	۲۷	۱۹
-	%۱۰۰	تیر	۴	۶۱	۴۵	-	%۱۰۰	کالسکه	۱۱۴	۳۱	۲۰
-	%۱۰۰	جیب	۱۱۲	۶۴	۴۶	-	%۱۰۰	دایره	۴۰	۳۲	۲۱
-	%۱۰۰	موش	۹۸	۶۷	۴۷	-	%۱۰۰	پیانو	۱۰۶	۳۴	۲۲
-	%۱۰۰	ساعت	۴۲	۶۸	۴۸	-	%۱۰۰	شیر	۹۴	۳۵	۲۳
-	%۱۰۰	رادیو	۱۱۶	۷۰	۴۹	-	%۱۰۰	چشم	۶۰	۳۶	۲۴
-	%۱۰۰	اتو	۸۲	۷۱	۵۰	-	%۱۰۰	قاب عکس	۱۰۸	۳۷	۲۵
شماره	صفحه	آیتم	واژه هدف	پاسخ صحیح	پاسخ غلط	شماره	صفحه	آیتم	واژه هدف	پاسخ صحیح	پاسخ غلط
-	%۱۰۰	مغز	۲۱	۱۰۷	۷۶	-	%۱۰۰	وزنه	۱۵۸	۷۲	۵۱
-	%۱۰۰	زنجیر	۳۳	۱۱۱	۷۷	-	%۱۰۰	سطل	۲۴	۷۳	۵۲
-	%۱۰۰	تاج	۵۱	۱۱۳	۷۸	-	%۱۰۰	شتر	۲۸	۷۵	۵۳
-	%۱۰۰	پنیر	۳۵	۱۱۴	۷۹	-	%۱۰۰	چادر	۱۴۲	۷۶	۵۴
-	%۱۰۰	کلاه	۷۷	۱۱۵	۸۰	-	%۱۰۰	برگ	۹۰	۷۷	۵۵
-	%۱۰۰	دلچک	۴۳	۱۱۶	۸۱	-	%۱۰۰	گلابی	۱۰۴	۷۸	۵۶
-	%۱۰۰	سیگار	۳۹	۱۱۷	۸۲	-	%۱۰۰	گیتار	۷۴	۷۹	۵۷
-	%۱۰۰	آشپزخانه	۸۷	۱۱۸	۸۳	-	%۱۰۰	قیچی	۱۲۴	۸۰	۵۸
-	%۱۰۰	سیرک	۴۱	۱۱۹	۸۴	-	%۱۰۰	جادوگر	۱۶۲	۸۱	۵۹
-	%۱۰۰	کتابخانه	۹۳	۱۲۰	۸۵	-	%۱۰۰	گره	۳۲	۸۲	۶۰
-	%۱۰۰	لنگر	۱	۱۲۱	۸۶	-	%۱۰۰	بینی	۱۰۱	۸۴	۶۱
-	%۱۰۰	ترک	۴۹	۱۲۴	۸۷	-	%۱۰۰	اتوبوس	۲۵	۸۷	۶۲
-	%۱۰۰	نردبان	۸۹	۱۲۷	۸۸	-	%۱۰۰	برس	۲۳	۸۹	۶۳
-	%۱۰۰	پا(ران-ساق)	۹۱	۱۲۸	۸۹	-	%۱۰۰	انگشت	۶۳	۹۰	۶۴
-	%۱۰۰	تانک	۱۴۱	۱۲۹	۹۰	-	%۱۰۰	کلید	۸۵	۹۲	۶۵

-	%۱۰۰	شورت	۱۲۹	۱۳۰	۹۱	-	%۱۰۰	خانه	۸۱	۹۳	۶۶
-	%۱۰۰	مربع	۱۳۳	۱۳۲	۹۲	-	%۱۰۰	چنگک	۱۱۷	۹۴	۶۷
-	%۱۰۰	تبر	۵	۱۳۳	۹۳	-	%۱۰۰	مداد	۱۰۵	۹۵	۶۸
-	%۱۰۰	سوسیس	۱۲۳	۱۳۴	۹۴	-	%۱۰۰	دست	۳	۹۶	۶۹
-	%۱۰۰	شمشیر	۱۳۹	۱۳۶	۹۵	-	%۱۰۰	کتاب	۱۹	۹۹	۷۰
-	%۱۰۰	پرچم	۶۵	۱۳۷	۹۶	-	%۱۰۰	دکمه	۲۷	۱۰۰	۷۱
-	%۱۰۰	سرسره	۱۳۱	۱۳۸	۹۷	-	%۱۰۰	سایه	۱۲۵	۱۰۱	۷۲
-	%۱۰۰	هرم	۱۱۵	۱۳۹	۹۸	-	%۱۰۰	چارپایه	۱۳۵	۱۰۳	۷۳
-	%۱۰۰	چرخ	۱۵۹	۱۴۰	۹۹	-	%۱۰۰	دوربین عکاسی	۲۹	۱۰۵	۷۴
-	%۱۰۰	مو	۷۵	۱۴۱	۱۰۰	-	%۱۰۰	قارچ	۹۹	۱۰۶	۷۵
شماره	صفحه	آیتم	واژه هدف	پاسخ صحیح	پاسخ غلط	شماره	صفحه	آیتم	واژه هدف	پاسخ صحیح	پاسخ غلط
۱۲۶	۶۹	۱۴	زنبور	%۹۰	%۱۰	۱۰۱	۱۴۲	۱۲۱	زین	%۱۰۰	-
۱۲۷	۷۴	۶۲	نرده	%۹۰	%۱۰	۱۰۲	۱۴۳	۱۵۷	ساعت مچی	%۱۰۰	-
۱۲۸	۸۵	۱۳	اتاق خواب	%۹۰	%۱۰	۱۰۳	۱۴۴	۷۹	اسب	%۱۰۰	-
۱۲۹	۸۸	۹۷	ماه	%۹۰	%۱۰	۱۰۴	۱۴۵	۱۰۹	خوک	%۱۰۰	-
۱۳۰	۹۱	۱۵۵	پیشخدمت مرد	%۹۰	%۱۰	۱۰۵	۱۴۷	۱۴۵	بیر	%۱۰۰	-
۱۳۱	۹۷	۱۵۳	تونل	%۹۰	%۱۰	۱۰۶	۱۴۸	۵۵	در	%۱۰۰	-
۱۳۲	۹۸	۱۱۹	پشت بام	%۹۰	%۱۰	۱۰۷	۱۴۹	۱۱۳	برکه	%۱۰۰	-
۱۳۳	۱۰۸	۵۹	پاکت	%۹۰	%۱۰	۱۰۸	۱۵۲	۱۵۱	مثلث	%۱۰۰	-
۱۳۴	۱۱۲	۷۳	انگور	%۹۰	%۱۰	۱۰۹	۱۵۳	۹	سبد	%۱۰۰	-
۱۳۵	۱۲۳	۱۵	زنگ	%۹۰	%۱۰	۱۱۰	۱۵۴	۷	بادکنک	%۱۰۰	-
۱۳۶	۱۳۱	۳۷	کلیسا	%۹۰	%۱۰	۱۱۱	۱۵۵	۴۵	شانه	%۱۰۰	-
۱۳۷	۱۵۰	۶۷	پا (مچ به پایین)	%۹۰	%۱۰	۱۱۲	۱۵۷	۶۱	پر	%۱۰۰	-
۱۳۸	۲۸	۱۰۲	راهبه	%۸۰	%۲۰	۱۱۳	۱۵۸	۱۱	ریش	%۱۰۰	-
۱۳۹	۲۹	۸۶	پادشاه	%۸۰	%۲۰	۱۱۴	۱۶۰	۶۹	قورباغه	%۱۰۰	-
۱۴۰	۳۰	۸۰	بیمارستان	%۸۰	%۲۰	۱۱۵	۱۶۲	۹۵	نقشه	%۱۰۰	-

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

٪۲۰	٪۸۰	آشیانه	۱۰۰	۵۲	۱۴۱	-	٪۱۰۰	پنجره	۱۶۱	۱۶۳	۱۱۶
٪۲۰	٪۸۰	ساندویچ	۱۲۲	۶۲	۱۴۲	-	٪۱۰۰	مرغابی	۵۷	۱۶۴	۱۱۷
٪۲۰	٪۸۰	پیشخدمت زن	۱۵۶	۶۶	۱۴۳	٪۱۰	٪۹۰	زبان	۱۴۶	۵	۱۱۸
٪۲۰	٪۸۰	قلعه	۳۱	۸۶	۱۴۴	٪۱۰	٪۹۰	یقه	۴۴	۱۰	۱۱۹
٪۲۰	٪۸۰	بینی	۱۴۹	۱۰۲	۱۴۵	٪۱۰	٪۹۰	توت فرنگی	۱۳۶	۱۳	۱۲۰
٪۲۰	٪۸۰	قاضی	۸۳	۱۰۴	۱۴۶	٪۱۰	٪۹۰	ریشه	۱۲۰	۳۳	۱۲۱
٪۲۰	٪۸۰	جهانگرد	۱۴۷	۱۱۰	۱۴۷	٪۱۰	٪۹۰	گروه	۸۸	۴۴	۱۲۲
٪۲۰	٪۸۰	پیراهن	۱۲۷	۱۲۲	۱۴۸	٪۱۰	٪۹۰	فرشته	۲	۴۸	۱۲۳
٪۲۰	٪۸۰	چوب پنبه	۴۷	۱۲۵	۱۴۹	٪۱۰	٪۹۰	صلیب	۵۰	۵۶	۱۲۴
٪۲۰	٪۸۰	دو شاخه	۱۱۱	۱۳۵	۱۵۰	٪۱۰	٪۹۰	پول	۹۶	۶۳	۱۲۵

شماره	صفحه	آیتم	واژه هدف	پاسخ صحیح	پاسخ غلط
۱۵۱	۱۵۹	۱۳۷	زیردریایی	%۸۰	%۲۰
۱۵۲	۱۵	۷۲	دروازه	%۷۰	%۳۰
۱۵۳	۶۵	۱۵۲	شیپور	%۷۰	%۳۰
۱۵۴	۱۰۹	۱۰۷	پیک نیک	%۷۰	%۳۰
۱۵۵	۱۲۶	۷۱	باغچه	%۷۰	%۳۰
۱۵۶	۱۵۱	۱۷	پرنده	%۷۰	%۳۰
۱۵۷	۱۵۶	۱۰۳	اداره	%۷۰	%۳۰
۱۵۸	۱۶۱	۵۳	دیو	%۷۰	%۳۰
۱۵۹	۴	۱۳۴	تمبر	%۶۰	%۴۰
۱۶۰	۲۴	۴۶	رهبرارکس تر	%۵۰	%۵۰
۱۶۱	۱۱	۷۶	ننو	%۴۰	%۶۰
۱۶۲	۱۴۶	۱۴۳	بلیط	-	%۱۰۰

شماره	صفحه	آیتم	واژه هدف	پاسخ صحیح	پاسخ غلط	شماره	صفحه	آیتم	واژه هدف	پاسخ صحیح	پاسخ غلط
۱	۲	۱۴	چهار دست و پا رفتن	%۱۰۰	-	۲۶	۳۹	۸۰	سیگار کشیدن	%۱۰۰	-
۲	۳	۳۲	تا کردن	%۱۰۰	-	۲۷	۴۰	۵۶	عبادت کردن	%۱۰۰	-
۳	۴	۲۶	رانندگی کردن	%۱۰۰	-	۲۸	۴۱	۶۸	خیاطی کردن	%۱۰۰	-
۴	۶	۲۴	نوشیدن	%۱۰۰	-	۲۹	۴۲	۱۸	رقصیدن	%۱۰۰	-
۵	۷	۶۴	غرش کردن	%۱۰۰	-	۳۰	۴۵	۴۶	ذوب کردن	%۱۰۰	-
۶	۸	۸۶	شنا کردن	%۱۰۰	-	۳۱	۴۶	۶۲	سواری کردن	%۱۰۰	-
۷	۹	۸۲	برف باریدن	%۱۰۰	-	۳۲	۴۷	۱۲	شانه کردن	%۱۰۰	-
۸	۱۰	۴	گاز گرفتن	%۱۰۰	-	۳۳	۴۸	۷۰	تیراندازی کردن	%۱۰۰	-
۹	۱۱	۲۰	شیرجه زدن	%۱۰۰	-	۳۴	۴۹	۵۴	پست کردن	%۱۰۰	-
۱۰	۱۴	۳۰	شناور بودن	%۱۰۰	-	۳۵	۵۱	۵۸	هل دادن	%۱۰۰	-
۱۱	۱۵	۱۰۰	خمیازه کشیدن	%۱۰۰	-	۳۶	۵۳	۵۹	باریدن	%۱۰۰	-
۱۲	۱۶	۲۲	خواب دیدن	%۱۰۰	-	۳۷	۵۴	۴۱	خندیدن	%۱۰۰	-
۱۳	۱۹	۷۴	اسکیت کردن	%۱۰۰	-	۳۸	۵۵	۶۱	خواندن	%۱۰۰	-
۱۴	۲۲	۷۸	سر خوردن	%۱۰۰	-	۳۹	۵۶	۳۳	اتو کردن	%۱۰۰	-
۱۵	۲۳	۴۴	روشن کردن	%۱۰۰	-	۴۰	۵۸	۴۳	لیسیدن	%۱۰۰	-
۱۶	۲۴	۴۰	در زدن	%۱۰۰	-	۴۱	۵۹	۶۳	زنگ زدن	%۱۰۰	-
۱۷	۲۷	۹۴	تلویزیون تماشا کردن	%۱۰۰	-	۴۲	۶۰	۸۳	بهم زدن	%۱۰۰	-
۱۸	۲۸	۲	گدایی کردن	%۱۰۰	-	۴۳	۶۱	۳۷	بوسیدن	%۱۰۰	-

-	%۱۰۰	ماهگیری کردن	۲۹	۶۳	۴۴	-	%۱۰۰	گریه کردن	۱۶	۲۹	۱۹
-	%۱۰۰	تایپ کردن	۹۱	۶۴	۴۵	-	%۱۰۰	رنگ کردن	۴۸	۳۱	۲۰
-	%۱۰۰	بافتن	۳۹	۶۵	۴۶	-	%۱۰۰	غرق شدن	۷۲	۳۲	۲۱
-	%۱۰۰	اشاره کردن	۵۳	۶۶	۴۷	-	%۱۰۰	راه رفتن	۹۲	۳۴	۲۲
-	%۱۰۰	آبیاری کردن	۹۵	۶۷	۴۸	-	%۱۰۰	فوت کردن	۶	۳۶	۲۳
-	%۱۰۰	بریدن	۱۷	۶۸	۴۹	-	%۱۰۰	دویدن	۶۶	۳۷	۲۴
-	%۱۰۰	ن							۷۶	۳۸	۲۵
شماره	صفحه	آیتم	واژه هدف	پاسخ صحیح	پاسخ غلط	شماره	صفحه	آیتم	واژه هدف	پاسخ صحیح	پاسخ غلط
۵۱	۲	۱۴	اصلاح کردن	%۱۰۰	-	۷۶	۳۳	۹۰	گره زدن	%۹۰	%۱۰
۵۲	۳	۳۲	شستن	%۱۰۰	-	۷۷	۶۹	۵۵	ریختن	%۹۰	%۱۰
۵۳	۴	۲۶	تاب خوردن	%۱۰۰	-	۷۸	۷۸	۱۵	عبور کردن	%۹۰	%۱۰
۵۴	۶	۲۴	خم شدن	%۱۰۰	-	۷۹	۹۲	۴۵	رژه رفتن	%۹۰	%۱۰
۵۵	۷	۶۴	پریدن	%۱۰۰	-	۸۰	۹۶	۷۹	لبخند زدن	%۹۰	%۱۰
۵۶	۸	۸۶	غرش کردن	%۱۰۰	-	۸۱	۹۹	۱۹	کندن	%۹۰	%۱۰
۵۷	۹	۸۲	چکه کردن	%۱۰۰	-	۸۲	۵	۹۸	خم شدن	%۸۰	%۲۰
۵۸	۱۰	۴	نشستن	%۱۰۰	-	۸۳	۱۲	۲۸	خوردن	%۸۰	%۲۰
۵۹	۱۱	۲۰	خوابیدن	%۱۰۰	-	۸۴	۳۰	۵۰	نیشگون گرفتن	%۸۰	%۲۰
۶۰	۱۴	۳۰	پرواز کردن	%۱۰۰	-	۸۵	۴۴	۸	ساختن	%۸۰	%۲۰
۶۱	۱۵	۱۰۰	باز کردن	%۱۰۰	-	۸۶	۵۷	۱۱	بالا رفتن	%۸۰	%۲۰
۶۲	۱۶	۲۲	نقاشی کشیدن	%۱۰۰	-	۸۷	۷۶	۵۷	کشیدن	%۸۰	%۲۰
۶۳	۱۹	۷۴	بافتن	%۱۰۰	-	۸۸	۷۷	۴۹	پوست کندن	%۸۰	%۲۰
۶۴	۲۲	۷۸	نوشتن	%۱۰۰	-	۸۹	۷۹	۵	خونریزی کردن	%۸۰	%۲۰
۶۵	۲۳	۴۴	نوازش کردن	%۱۰۰	-	۹۰	۸۰	۸۱	عطسه کردن	%۸۰	%۲۰
۶۶	۲۴	۴۰	اسکی کردن	%۱۰۰	-	۹۱	۱۷	۶۰	باچنگک جمع کردن	%۷۰	%۳۰
۶۷	۲۷	۹۴	آواز خواندن	%۱۰۰	-	۹۲	۲۵	۸۸	غلغلک دادن	%۷۰	%۳۰
۶۸	۲۸	۲	حمل کردن	%۱۰۰	-	۹۳	۴۳	۱۰	گرفتن	%۷۰	%۳۰

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

٪۳۰	٪۷۰	تکان دادن	۶۵	۶۲	۹۴	-	٪۱۰۰	پختن	۱۶	۲۹	۶۹
٪۴۰	٪۶۰	شعبده بازی کردن	۳۴	۱۸	۹۵	-	٪۱۰۰	سوراخ کردن	۴۸	۳۱	۷۰
٪۵۰	٪۵۰	زانو زدن	۳۸	۳۵	۹۶	-	٪۱۰۰	کشتیرانی کردن	۷۲	۳۲	۷۱
٪۵۰	٪۵۰	دست تکان دادن	۹۶	۵۰	۹۷	٪۱۰	٪۹۰	ایست دادن	۹۲	۳۴	۷۲
٪۵۰	٪۵۰	دریبل کردن	۷	۸۴	۹۸	٪۱۰	٪۹۰	بازی کردن	۶	۳۶	۷۳
٪۶۰	٪۴۰	لمس کردن	۸۹	۱۰۰	۹۹	٪۱۰	٪۹۰	شوت کردن	۶۶	۳۷	۷۴
٪۳۰	٪۷۰	نهال زدن	۲۷	۷۲	۱۰۰	٪۱۰	٪۹۰	تکیه دادن	۷۶	۳۸	۷۵

Anomia	نام پریشی
Psycholinguistic	روان- زبانشناختی
Noun & Verb representation	بازنمایی اسامی و افعال
Lexical decision	قضاوت واژگانی
Brain topography	تصویربرداری مغزی
Language impairment	آسیب زبانی
Investigatory word-picture tasks	تکالیف تخفیفی تصویر- کلمه
Object & action	شیء و عمل
Modalities	مسیرها
Out put Modals	مسیرهای برونداد
Lexical system	سیستم واژگانی
Optic aphasia	آفازی بینایی
Pur word deafness	کری خالص کلمه
Uisual Object representations	بازنماییهای بینایی اشیاء
Lexical retrieval	بازیابی واژگانی
Competitive Process	فرآیند رقابتی
Semantic context	بافت معنایی
Lexical memory	حافظه واژگانی
Things	موارد
Over lap	همپوشانی
Category	مقوله
Selectively	بطور انتخابی
Recognition Level	سطح بازشناسی
Semantic Processing	پردازش معنایی
Specific modality	مسیر ویژه

Visual acuity	تیز حسی
Pre- Lexical	پیش واژگانی
Left posterior temporal-parietal-occipital	نواحی خلفی اکسی بیتهال - پهپتال - تمپورال چپ
Cognitive Neuro Psychology	عصب روانشناسی شناخت
Line drawings	نقاشی های خطی
Printed word	لغت مکتوب
Fomiliarity	میزان آشنائیت
Image ability	توانایی تجسم
Brain- Imaging studies	مطالعات تصویربرداری مغزی
Homonyms	هم آواها
Homogrophs	هم نویس ها
Ambiguity	اتهام
Structure	ساختار
Argument	استدلال
Agent	عامل
Theme	مضمون
Transitive	متعدی
Unaccusative	فعل بدون مفعول
Unergative	فعل فقط لازم
Alternative	متفاوت
Homogeneous	همگن
Syntactic	کد
Traditional grammer	دستور سنتی
Ditransitive	فعل دو مفعوله
Frequency	بسامد
Cumulative	مرکب

Age-of-acquisition	سن فراگیری
Later acquired	اكتساب ثانويه
Erly acquired	اكتساب اوليه
Very early acquired	اكتساب زود هنگام
Remediation	اصلاحی
Test and re-test	آزمون و آزمون مجدد
Statoc actions	اعمال ساکن
Ing form	علامت اسم مصدر
Page number	شماره صفحه
Item number	شماره آیتم
Target	هدف
First response	اولین پاسخ
Latency	مدت زمان ارائه پاسخ
Prompt	یادآوری
Subsequent Response	پاسخ‌های بعدی
Specific	دقیق‌تر
General	کلی‌تر
Alternative	جانشین

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title: فصل ۱
Subject:
Author: SHAHANG
Keywords:
Comments:
Creation Date: 4/1/2012 10:31:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: hadi tahaghoghi
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 4/1/2012 10:31:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 90
Number of Words: 10,532 (approx.)
Number of Characters: 60,036 (approx.)